



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



احكام بانوان

آيت الله العظمى سبحاني تبريزي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام بانوان

نويسنده:

آيت الله العظمى جعفر سبحانى (دام ظلّه)

ناشر چاپى:

موسسه امام صادق (ع)

ناشر ديجيتالى:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | احکام بانوان |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | پیشگفتار |
| ۹ | احکام تقلید |
| ۱۰ | احکام طهارت |
| ۱۱ | احکام جنابت |
| ۱۲ | احکام میت |
| ۱۳ | عادت ماهانه (۱) - نشانه های خون حیض |
| ۲۰ | استحاضه |
| ۲۳ | احکام نفاس |
| ۲۵ | نماز و شرائط آن |
| ۲۶ | احکام روزه |
| ۲۸ | حج |
| ۲۹ | احکام اعتکاف |
| ۲۹ | احکام خمس |
| ۳۰ | زکات |
| ۳۰ | احکام ازدواج |
| ۳۸ | احکام پزشکی |
| ۳۹ | مسائل متفرقه زناشوئی |
| ۴۰ | والدین و فرزندان |
| ۴۱ | احکام شیر دادن (رضاع) |
| ۴۴ | احکام طلاق |

| | |
|----|---|
| ۴۷ | زنا |
| ۴۷ | احکام پوشش |
| ۴۸ | چند مسئله متفرقه |
| ۴۸ | گفتگو با نامحرم |
| ۴۹ | عکس |
| ۴۹ | اختلاط زن و مرد |
| ۴۹ | خوردن شیر زن |
| ۴۹ | مرتد شدن |
| ۴۹ | احکام ارث |
| ۵۱ | احکام نذر و عهد |
| ۵۱ | احکام قسم خوردن |
| ۵۱ | هبه |
| ۵۱ | ربا |
| ۵۲ | فال |
| ۵۲ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

احکام بانوان

مشخصات کتاب

سرشناسه: سبحانی تبریزی جعفر، ۱۳۰۸ - عنوان و نام پدید آور: احکام بانوان / مطابق با فتاوی جعفر سبحانی؛ [تهیه و تنظیم احمد فاضلی بیارجمندی]. مشخصات نشر: قم: موسسه امام صادق (ع) ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص. موضوع: زنان -- وضع حقوقی و قوانین (فقه) موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه شناسه افزوده: فاضلی بیارجمندی احمد، ۱۳۳۸ -، گردآورنده شناسه افزوده: موسسه امام صادق (ع) رده بندی کنگره: BP۱۸۹/س۲۴الف۳ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶ شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۳۴۶۰۶

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم در باره ی تفاوت زن و مرد سخنان گوناگون و گاه متناقضی بیان شده است. برخی این تفاوت، را بسیار زیاد و عده ای بسیار کم پنداشته اند. آن چه می توان از آن دفاع کرد این است که میان زن و مرد تفاوت وجود دارد و شایسته نیست کسی مدعی تساوی زن و مرد در همه ی زمینه ها باشد. البته هر دو، برخوردار از گوهر انسانیت و استعداد سیر به سوی کمال می باشند و در ارزشها و احکامی که به انسانیت آنها مربوط است، یکسان هستند. در یک نگاه گذرا می توان دیدگاه قرآن کریم را چنین ترسیم نمود: ۱. خداوند هدف آفرینش آدمیان را که عبودیت، امتحان، حیات طیبه، و شناخت قدرت الهی است، برای زن و مرد به صورت یکسان مطرح کرده است. ۲. در مورد ارزش های انسانی، مثل ایمان و عمل صالح، علم و صفحه ۱۲ دانش، سبقت در ایمان، تقوا و پارسایی، هجرت و دفاع نیز با زن و مرد یک سان برخورد شده است، مثلاً به برابری زن و مرد در ارزش های یاد شده این گونه تصریح می کند: مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان عبادت پیشه، مردان و زنان راست گو، مردان و زنان شکیبا، مردان و زنان فروتن، مردان و زنان صدقه دهنده، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان پاک دامن، مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، خدا برای همه ی (آنان آمرزش و پاداش بزرگ فراهم ساخته است. (۱) ۳. خداوند مسیر تکامل و راه سعادت را برای همگان، صراط مستقیم معرفی می کند. و شیطان را دشمن مشترک انسان می داند. (۲) ۴. خداوند زنان و مردان را مکمل هم می داند و می فرماید: (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ). (۳) «آنان (زنان) پوشش شمایند و شما پوشش آن ها می باشید». ۵. خداوند آن گاه که نمونه ای برای مؤمنان و کافران ذکر می کند از مردان سخن نمی گوید بلکه (شاید به خاطر نقش ویژه ی زنان) از مریم و آسیه همسر فرعون به عنوان الگوی همه ی مؤمنان یاد ۱. سوره احزاب، آیه ۳۵. ۲. سوره فاطر، آیه ۶. ۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷، صفحه ۱۳ می کند. (۱) البته همسر نوح و همسر لوط را هم به عنوان نمونه ی کافران معرفی کرده است. (۲) ۶. خداوند کار نیک زنان و مردان را به طور یک سان ارج می نهد، قابل پاداش می داند. «پس پروردگارشان دعای آن ها را اجابت کرد) و فرمود: (من عمل هیچ کدام از شما، از مرد و زن، که همه از یکدیگرید، تباہ نمی کنم...». (۳) ۷. در مواردی که خداوند اختیار برخی امور اجرایی را به مرد سپرده است، رفتار به نیکی (معاشرت به معروف) را به عنوان یک اصل قانونی و نه یک توصیه ی اخلاقی محض، لازم دانسته است (عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (۴) جالب این که واژه ی «معروف» ۳۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است که ۱۹ مورد آن توصیه به مردان در باب رفتار با زنان است. ۸. خداوند نظارت بر رفتارهای جامعه ی اسلامی (امر به معروف و نهی از منکر) را به عنوان یک حق به زنان و مردان سپرده است. از جمله در سوره ی توبه می فرماید: «مردان مؤمن و زنان مؤمن بر یکدیگر ولایت دارند، به ۱. سوره تحریم، آیه ۱۱ و ۱۲. ۲. سوره تحریم، آیه ۱۰. ۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۵. ۴. سوره نساء، آیه ۱۹. صفحه ۱۴ نیکی فرمان می دهند و از ناشایست باز می دارند.» (۱) ۹. خداوند مشارکت زنان را در قالب بیعت تأیید می کند

و می فرماید: «ای پیامبر اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا بیعت کنند، بدین شرط که هیچ کسی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، فرزندی را که متعلق به شوهرشان نیست، به دروغ به او نسبت ندهند و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند، با آن ها بیعت کن و از خدا برایشان آمرزش بخواه.» (۲) ۱۰. خداوند زنده به گور کردن دختران و شوم دانستن آنان را به شدت مذمت می کند و می فرماید: (وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ). (۳) «و آن هنگام که پیرامون دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند؟!». در جای دیگر عده ای از مردان را به خاطر رفتار ناشایست چنین مذمت می کند: «هرگاه به یکی از آن ها بشارت دهند که دختری نصیب تو شده است، صورتش (از شدت ناراحتی)، به خاطر خبر ۱. سوره توبه، آیه ۷۱. ۲. سوره ممتحنه، آیه ۱۲. ۳. سوره تکویر، آیه ۸. صفحه ۱۵ بدی که به او داده شده است سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد، از قوم و قبیله خود متواری می گردد (و نمی داند) آیا آن دختر را با پذیرش ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش سازد؟ چه بد حکم می کنند!» (۱) این اصول ده گانه قرآنی نوع نگرش قرآن به زن را که مبتنی بر پذیرش تساوی آن دو در بسیاری از احکام است، نشان می دهد البته زن و مرد در بعضی از مسایل تکوینی با هم تفاوت هایی دارند تفاوتهایی که جنس زن و جنس مرد را قوام می بخشد. وزن را زن، قرار می دهد و مرد را مرد. تفاوت های جنسیتی، واقعیهایی حکیمانه اند که دست تدبیر الهی، آنها را به عنوان بخشی از نظام احسن وجود، قرار داده است: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ). (۲) «آسمانها و زمین را بحق آفرید و شما را (در عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر و سرانجام (همه) بسوی اوست.» همین تفاوتهاست که منشأ کمال و موجب احساس نیاز متقابل و زمینه بقای حیات انسانی و اجتماعی و تحکیم پیوندها می شود. نادیده انگاشتن این تفاوتها که چیزی جز رحمت و حکمت الهی ۱. سوره نحل، آیه ۵۸. ۲. سوره تغابن، آیه ۳. صفحه ۱۶ نیست، به معنای مبارزه با واقعیاتی است که بود و نبود آنها به خواست و نوع داوری این و آن بستگی ندارد. در تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی و تقسیم مسؤولیت های فردی و جمعی، و در معرفی سیمای اجتماعی هر یک از زن و مرد، چه در حوزه مسؤولیتها و مسائل خانوادگی، و چه در زمینه های اجتماعی، طبیعی و منطقی است که تفاوت های یاد شده به عنوان واقعیاتی غیر قابل انکار پذیرفته و لحاظ شود و منشاء موقعیتها و مسؤولیت هایی خاص، در هر یک از دو جنس زن و مرد باشد. به عنوان مثال، مرد را در موقعیت مسؤولیت سنگین تامین هزینه زندگی خود و خانواده قرار دهد و زن را برخوان زندگی بنشانند، و در مقابل، زن را در موقعیت عهده داری فرزند قرار دهد و این بار گران را بر دوش او نهد. چنان که قرآن کریم به دنبال تاکید بر نیکی به پدر و مادر، تنها از بار گران و دشوار فرزندداری که اختصاصاً توسط مادر انجام می شود یاد می کند: (وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ... (۱)). «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، ۱. سوره احقاف، آیه ۱۵. صفحه ۱۷ مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد...» نزدیک به همین مفاد را در آیه ای دیگر نیز یاد آور شده است. کما اینکه وقتی حکم سرپرستی و قیمومت مردان (شوهرها) بر زنان را صادر می کند، در اشاره به خاستگاه این حکم، همین تفاوت طبیعی میان زن و مرد را نیز یاد آور می شود: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ... (۱)) «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند...» بنابراین کاملاً منطقی است که برخی تفاوت های حکیمانه تکوینی، منشاء برخی اختلافات حقوقی و مسؤولیت های فردی و اجتماعی و احکام تشریحی باشد و موقعیت های متفاوتی ایجاد کند و تعدد نقشها را موجب شود. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «... فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا ۱. سوره نساء، آیه ۳۴. صفحه ۱۸ فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ... (۱)» «حق گسترده ترین چیزهاست در توصیف و گفتگو، و تنگترین چیزهاست در کردار و انصاف دادن با هم. کسی را بر دیگری حقی نیست مگر

اینکه آن دیگری را هم بر او حقی است. تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد و تعدد مسؤولیتها و نقشهایی که به تناسب این تفاوتها به وجود می‌آید، واقعیت‌هایی انکارناپذیرند. مثلاً پدر بودن و فرزند بودن، دو نقش و موقعیت متفاوت است که هر یک حقوقی و تکالیفی رامی طلبد. چنان که استادی و شاگردی نیز دو نقش متفاوت است با حقوق و تکالیفی. قرار گرفتن در موقعیت مدیریت جامعه، شرایط و حقوقی متفاوت با موقعیت و نقش رعیت و توده مردم را ایجاب می‌کند. زن و مرد نیز، چه در چارچوب روابط خانوادگی و همسری و پدر و مادری، و چه در مناسبات اجتماعی، به خاطر تعدد نقش و تفاوت برخی موقعیتها که دارند، در کنار حقوق و مسؤولیت‌های مشترک، حقوق و مسؤولیت‌های متفاوتی نیز دارند و تساوی و تشابه همه جانبه آنان امری ناممکن و غیر معقول است. این بخش از حقوق و مسؤولیت‌های متفاوت، هر چند در مقایسه ۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶. صفحه ۱۹ باوظایف و حقوق مشترک، اندک است ولی بسیار مهم و راهگشاست و نادیده گرفتن آن باعث می‌شود که آن بخش دیگر نیز آسیب ببیند. بنابراین شعار تساوی همه جانبه زنان و مردان اگر به معنای نادیده گرفتن این دسته از نقشها و موقعیت‌های متفاوت باشد، ادعایی غیر منطقی و ناشدنی است. شکی نیست که زن و مرد در بسیاری از احکام شرعی یکسان و برابرند، مثلاً در مطهرات و نجاسات و همچنین احکام نماز و خمس و زکات، شرائطی یکسان دارند، از این جهت، در این رساله، کوششی به عمل آمده است تا تنها مسائلی را متذکر شویم که از ویژگیهای زن یا بیشتر به او مرتبط است. قم - موسسه امام صادق (علیه السلام) دفتر آیت الله العظمی جعفر سبحانی تبریزی سید احمد فاضلی بیارجمندی تابستان ۱۳۸۷ هجری قمری

احکام تقلید

انسان می‌تواند از روی اجتهاد یا تقلید به احکام دین عمل کند. اجتهاد تلاش متخصّصان برای استخراج احکام دین از منابع آن است که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومان (علیهم السلام) است. تقلید به معنای پیروی است و در اینجا به معنای پیروی از مجتهد می‌باشد. مسأله ۱. کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن به دست آورد، باید از مجتهد تقلید کند یعنی کارهای خود را مطابق با فتوای او انجام دهد. مسأله ۲. اَعلَم کسی است که در استنباط حکم خدا از مدارک و منابع، ماهرتر باشد. مسأله ۳. زنان می‌توانند علوم اسلامی را تحصیل کنند و به مقام اجتهاد، برسند. مسأله ۴. اگر زنی به مقام اجتهاد برسد، دیگران - چه زن چه مرد - نمی‌توانند از او تقلید کنند. صفحه ۲۲ بلوغ و نشانه‌های آن مسأله ۵. نشانه بلوغ در دختران یکی از چهار چیز است: الف) تمام شدن نه سال قمری (۱) و وارد شدن به ده سالگی قمری. ب) بیرون آمدن منی. ج) رویدن موی درشت بالای عورت. د) دیدن خون حیض مسأله ۶. سنّ نه سالگی سنّ تکلیف است، و الزاماً سنّ ازدواج نیست. توضیح این که: ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد، و در صورتی که کارشناسان به طور خاص یا به طور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنی حرام است. مراحل بلوغ بلوغ به حسب ادله شرع، سه مرحله دارد: الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام ۱. نه سال قمری سه ماه و چند روز از نه سال شمسی کمتر است. صفحه ۲۳ نماز و روزه و مانند آن. البته در صورتی دختران در اوائل بلوغ توان روزه گرفتن را نداشته باشند به طوری که مایه ضرر و زیان باشد و این حالت تا ماه رمضان دیگر ادامه داشته باشد روزه از ایشان ساقط است. ب) بلوغ برای ازدواج، به طوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند، و خطر إفضاء و نقایص دیگری در کار نباشد. ج) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، به طوری که در معاملات مغبون نشوند. مسأله ۷. دیدن خون حیض برای دختران، از نشانه‌های بلوغ است. مسأله ۸. ختنه کردن دختران و زنان واجب نیست هر چند مستحب است و با برداشتن قطعه کوچک گوشت که بالای فرج است ختنه انجام می‌گیرد. مسأله ۹. درشت شدن صدا و رشد جسمانی، مانند افزایش طول قد، بزرگ شدن پستانها، باسن‌ها و مانند آن، به تنهایی علائم بلوغ نیست.

احکام طهارت

بول کودک شیر خوار مسأله ۱۰. هر گاه چیزی با بول پسر یا دختر شیر خواری که غذاخور نشده نجس گردد، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود و در لباس و فرش و مانند آن فشار لازم نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که دو مرتبه بریزند. الکل مسأله ۱۱. استفاده از الکل برای ضد عفونی کردن محلّ تزریقات، یا ناف بچه، اشکالی ندارد و پاک است. ولی احتیاط مستحب آن است که مواضع اصابت آن را آب بکشند. مسأله ۱۲. عطرها و ادکلن های خارجی که در بازار به فروش می رسد، چون یقین به نجاست آنها نیست برای نماز اشکال ندارد. صفحه ۲۵ احکام تخلی مسأله ۱۳. واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگرچه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه ممیز و بچه های ممیز که خوب و بد را می فهمند، بپوشاند ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند. مسأله ۱۴. برای زن استبرای از بول لازم نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، پاک می باشد. وضو و غسل او را هم باطل نمی کند. راههای ثابت شدن نجاست مسأله ۱۵. نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می شود: ۱. آن که انسان یقین پیدا کند. ۲. آن که کسی که چیزی در اختیار اوست (مثل صاحب خانه) خبر دهد که آن چیز نجس است. ۳. آن که فرد موثق گواهی دهد. مسأله ۱۶. در مسأله نجاست یقین قطعی و صد در صد لازم است. و مادامی که چنین یقینی حاصل نشود تکلیفی ندارد، و اگر یقین صد در صد حاصل شد اجتناب لازم است مگر در موارد اضطرار. صفحه ۲۶ مسأله ۱۷. افراد وسواسی نباید به علم خود در طهارت و نجاست توجه کنند، بلکه باید ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می کنند، و به همان ترتیب عمل کنند، و برای ترک وسواس بهترین راه بی اعتنایی است. مسائل متفرقه نجاست مسأله ۱۸. محتوای مایعی که از کیسه آب جنین خارج می شود پاک است، مگر این که آلوده به خون باشد. مسأله ۱۹. از آنجا که امروزه بسیاری از لوازم آرایشی مورد مصرف بانوان از جفت جنین تهیه می شود، و جفت جنین تا آلوده به خون نباشد، یا شک داشته باشیم، پاک است، این وسائل آرایش محکوم به طهارت است. مسأله ۲۰. استفراغ نجس نیست مگر این که بدانید خونی همراه آن است. و فرقی بین بچه و بزرگ، دختر یا پسر نمی باشد. مسأله ۲۱. ظرفی را که با شراب نجس شده، باید سه مرتبه با آب قلیل بشویند، و دست در آن بمالند، و مستحب است هفت مرتبه شسته شود. صفحه ۲۷ مسائل وضو مسأله ۲۲. در وضو، صورت و دستها را نباید بیش از دو بار شست، و لکن باید توجه کرد که منظور از سه بار، یا دو بار شستن این است که عضو مورد نظر یک بار کاملاً شسته شود، سپس بار دوم را شروع کند و کامل بشوید، اما ریختن آب بر عضوی، دو بار، یا بیشتر، تا زمانی که از شستن کامل آن فارغ نشده یک بار حساب می شود. مسأله ۲۳. کسی که موی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می ریزد، باید بیخ موها را مسح کند. و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بین موها، یا پوست سر را به راحتی مسح نماید. مسأله ۲۴. اگر هنگام وضو گرفتن شخص دیگری آب را در دست انسان می ریزد، و شما آن را به صورت یا دستها می زده اید وضوی شما باطل نبوده، ولی این کار کراهت دارد. مسأله ۲۵. لا-کی که خانمها روی ناخن پاهایشان می زنند، مانع از مسح است باید به اندازه سه انگشت از ناخن هارا آزاد بگذارند، و روی آنها مسح کنند. مسأله ۲۶. بانوانی که موی مصنوعی کشت کرده اند تنها در صورتی که آب به پوست سر برسد مسح آنها صحیح است. مسأله ۲۷. هر گاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را ببیند، صفحه ۲۸ وضوی او باطل نیست مگر چند گناه کرده است. مسأله ۲۸. خانمهایی که خط ابروی خود را ترمیم می کنند، این کار سه صورت دارد: ۱. آب به پوست بدن می رسد. ۲. خالکوبی با رنگ است، که زیر پوست قرار می گیرد در هر دو صورت، وضو و غسل آنها صحیح است. ۳. آب به پوست نمی رسد، در این صورت اگر امکان برداشتن باشد باید مانع برداشته شود و در صورتی که این کار ممکن نباشد، باید علاوه بر وضو تیمم هم بکند. مسأله ۲۹. جوهر

خودنویس، مازیک و رنگی که خانمها برای موی سر استفاده می کنند اگر جرم نداشته باشد وضو و غسل با آن صحیح است. مسأله ۳۰. زنانی که خود را برای شوهرانشان آرایش می کنند، در صورتی که مواد آرایشی مورد استفاده جرمی، که مانع از رسیدن آب به پوست صورت است، نداشته باشد وضو صحیح است و شستن با صابون لازم نیست. پس لاکی را که روی ناخن پاهایشان میزنند، برای مسح پا اشکال دارد. مسأله ۳۱. وجود انگشتر و دستبند و مانند آن، اگر مانع از رسیدن آب نباشد، برای وضو ضرری ندارد و می تواند آن را جابجا کند تا آب به زیر آن برسد و شسته شود. مسأله ۳۲. بلند کردن ناخن در حد معقول برای خانمها اشکالی ندارد.

احکام جنابت

مسأله ۳۳. زنان و دختران در صورتی که به اوج شهوت جنسی برسند و رطوبتی از آنان خارج شود محتمل شده و باید برای نماز و روزه غسل جنابت کنند. مسأله ۳۴. آمیزش با وسائلی مانند «کاندوم» که از تماس مستقیم جلوگیری می کند و مانع ریختن نطفه می شود، نیز موجب غسل جنابت می شود. نشانه های احتلام مسأله ۳۵. اگر رطوبتی از زن خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه خروج آن با «شهوت» بوده باشد آن رطوبت حکم منی دارد و اگر این نشانه، را نداشته باشد حکم منی ندارد. مسأله ۳۶. ترشحات سفیدرنگی که خانمها معمولاً می بینند، در صورتی که به اوج شهوت جنسی نرسند غسل ندارد. مسأله ۳۷. هر گاه در مورد احتلام شک حاصل شود، غسل واجب نیست. مسأله ۳۸. اگر زنی پس از آمیزش با همسرش بلافاصله غسل کرد و بعد از غسل باقیمانده منی از او خارج شود، ولی نمی داند که از خود اوست، یا از شوهرش غسل دو باره لازم نیست. صفحه ۳۰ مسائل جنابت مسأله ۳۹. کارکردن (مثل پخت و پز) قبل از غسل جنابت کراهتی ندارد، هر چند بهتر است انسان در همه حال با طهارت باشد. مسأله ۴۰. نوشتن آیات قرآن و اسماء متبرکه که برای زن حائض یا جنب اگر آن را لمس نکند حرام نمی باشد. مسأله ۴۱. قرائت بیش از هفت آیه برای جنب و حائض مکروه است. (یعنی ثواب آن کمتر است) مسأله ۴۲. آرایش برای همسر در حال جنابت و ایام عادت کراهت ندارد. مسأله ۴۳. مستحب است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرات باقیمانده خارج شود و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند. احتیاط مستحب آن است که زنان نیز بوسیله بول کردن قبل از غسل استبراء کنند. مسأله ۴۴. اگر دختری خانمی دست به استمناء یا «خودارضایی» بزند و در همان حال رطوبتی از او خارج شود کار حرامی انجام داده است، و واجب است برای نماز و روزه خود غسل کند. صفحه ۳۱ چیزهایی که بر جنب حرام است مسأله ۴۵. پنج چیز بر جنب حرام است: اول رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و پیغمبران و امامان (علیهم السلام)، به طوری که در وضو گفته شد. دوم رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. سوم توقف در مساجد دیگر ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. چهارم گذاشتن چیزی در مسجد در غیر حال عبور. پنجم خواندن آیه ای که پس از خواندن آن باید سجده کرد و آنها در چهار سوره است اول: سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل) دوم: سوره چهل و یکم (حم سجده) سوم: سوره پنجاه و سوم (والنجم) چهارم: سوره نود و ششم (اقراء) و احتیاط آن است یک حرف از این چهار سوره را هم نخواند. چیزهایی که بر جنب مکروه است مسأله ۴۶. نه چیز بر جنب مکروه است: اول و دوم خوردن و آشامیدن ولی اگر وضو بگیرد یا استنشاق و مضمضه نماید، مکروه نیست. سوم خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد. چهارم رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط های صفحه ۳۲ قرآن. پنجم همراه داشتن قرآن، ششم خوابیدن ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، تیمم کند، مکروه نیست. هفتم خضاب کردن به حنا و مانند آن. هشتم مالیدن روغن به بدن نهم جماع کردن بعد از آنکه محتمل شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده باشد.

غسل جنابت مسأله ۴۷. غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست. مسأله ۴۸. لازم نیست در وقت غسل، نیت کند که غسل واجب یا مستحب می کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است. مسأله ۴۹. اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است. عرق جنب از حرام مسأله ۵۰. آمیزش با همسر در حال عادت ماهیانه، یا در حال روزه ماه مبارک رمضان حرام است و اگر عرق کند، احتیاط واجب آن است که با آن معامله عرق جنب از حرام کند، یعنی با بدن و یا لباسی که صفحه ۳۳ با آن آلوده است نماز نخواند. مسأله ۵۱. عرق جنب از حرام مانند کسی که از طریق حرام مانند زنا و یا لواط و یا استمناء جنب شود پاک است ولی با بدن و یا لباسی که با آن آلوده شده، نماز نخواند. مسأله ۵۲. اگر جنب از حرام به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر به جای غسل تیمم نماید، و بعد از تیمم عرق کند اجتناب از عرق لازم نیست. مسأله ۵۳. اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند باز نمی تواند با عرق آن نماز بخواند. ولی اگر اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد از حرام جنب شود، اجتناب از عرق آن لازم نیست.

احکام میت

مسأله ۵۴. اگر زن در مرگ شوهر یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا صورت خود را بخراشد به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند، باید یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند و اگر نتواند باید سه روز روزه بگیرد بلکه اگر خون هم نیاید بنا بر احتیاط واجب، به این دستور عمل نماید. و پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست. مسأله ۵۵. احتیاط واجب آن است که زنها در گریه بر میت صدا را صفحه ۳۴ خیلی بلند نکنند و فریاد نکنند. مسأله ۵۶. نگاه کردن زن یا شوهر پس از مرگ دیگری به عکسها و فیلمهای مشترک بلا مانع است. غسل میت مسأله ۵۷. غسل بچه مسلمان اگرچه زنازاده باشد، واجب است. و همچنین کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد. مسأله ۵۸. بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند. مسأله ۵۹. برای غسل و کفن و نماز و دفن میت باید از ولی او اجازه بگیرند، شوهر نسبت به زن خود از همه اولی است، سپس کسانی که از میت ارث می برند، به ترتیبی که در ارث بیان شد، ولایت بر میت دارند. و چنانچه در یک طبقه، هم مرد و هم زن وجود باشد احتیاط این است که از هر دو اجازه بگیرند. مسأله ۶۰. اگر مرد، زن را و زن، مرد را غسل بدهد باطل است ولی زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که زن، شوهر خود و شوهر، زن خود را غسل ندهد، مگر این که وصیتی در میان باشد. صفحه ۳۵ مسأله ۶۱. مرد می تواند دختر بچه ای را که سن او از سه سال کمتر است غسل دهد و زن هم می تواند پسر بچه ای را که کمتر از سه سال دارد غسل دهد. مسأله ۶۲. اگر برای غسل دادن میتی که مرد است مرد پیدا نشود، زنانی که با او نسبت دارند و محرمند مثل مادر و خواهر و خاله و عمه، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده اند، می توانند با پوشاندن عورت او غسلش بدهند. و نیز اگر برای غسل میت زن، زن دیگری نباشد، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند، یا به واسطه شیر خوردن محرم شده اند، می توانند با پوشاندن عورت او را غسل دهند. مسأله ۶۳. هرگاه زن، میت زن را غسل دهد، جایز است غیر از عورت، بدن او را برهنه کند. مسأله ۶۴. زنی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میت برای او کافی است. کفن مسأله ۶۵. کفن زن، بر شوهر است. اگرچه زن از خود مال داشته باشد و همچنین اگر زن را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از صفحه ۳۶ مال او کفن زن را بدهد. مسأله ۶۶. اگر شوهر قدرت تهیه کفن همسرش را

نداشته باشد و خود زن نیز مالی نداشته باشد، در صورتی که پدر و مادر قدرت داشته باشند احتیاط واجب آن است که کفن را بدهند و اگر قدرت ندارند هزینه آن بر عهده بیت المال مسلمین است. مسأله ۶۷. کفن کردن میت با پارچه ابریشم خالص جایز نیست و احتیاط واجب آن است که با پارچه طلا- بافت هم کفن نشود. مسأله ۶۸. در تعداد قطعه های کفن و نیز در کیفیت و چگونگی آن، تفاوتی بین میت مرد و زن نیست. نماز میت مسأله ۶۹. نماز میت پنج تکبیر و چهار ذکر دارد که تنها در ذکر چهارم بین میت مرد و زن تفاوت وجود دارد و در بقیه مثل هم هستند، بنابراین هر گاه میت، زن باشد کافی است که بعد از تکبیر چهارم بگوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ** و اگر این ذکر را بگوید بهتر است: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَأَبْنَةُ عَبْدِكَ وَأَبْنَةُ أُمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ أَنَا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنْنا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَرِّدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ صَفْحَه ۳۷ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.** مسأله ۷۰. مستحب است، امام جماعت یا کسی که فرادای نماز میت می خواند، اگر میت زن است مقابل سینه اش بایستد. مسأله ۷۱. مستحب است زن حائض، در صورتی که نماز میت را به جماعت می خواند، در یک صف تنها بایستد. دفن مسأله ۷۲. اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد، چنانچه پدر بچه، مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلو چپ، پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد بلکه اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد، بنابر احتیاط واجب باید به همین دستور عمل کنند. مسأله ۷۳. اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد باید به آسان ترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد، ولی باید این کار به وسیله شوهرش اگر اهل فن است یا زنی که اهل فن باشد انجام گیرد و اگر ممکن نیست، مرد محرمی که اهل فن باشد و اگر آن هم ممکن نشود مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آن صفحه ۳۸ هم پیدا نشود کسی که اهل فن نباشد می تواند بچه را بیرون آورد. مسأله ۷۴. هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد باید به وسیله کسانی که در مسأله پیش گفته شد از هر طرفی که بچه سالم بیرون می آید بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند ولی اگر بین پهلو چپ و راست در سالم بودن بچه فرقی نباشد احتیاط واجب آن است که از پهلو چپ بیرون آورند. مسأله ۷۵. خوب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد کسی که میت را در قبر می گذارد، با طهارت و سر برهنه و پابرهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند، با پشت دست بر قبر خاک بریزند و بگویند: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.** اگر میت زن است کسی که با او محرم می باشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند. نبش قبر مسأله ۷۶. نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او اگرچه طفل یا دیوانه باشد حرام است. ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد اشکال ندارد. مسأله ۷۷. نبش قبر برای انجام یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، اشکال ندارد. صفحه ۳۹ مسأله ۷۸. نبش قبر در صورتی که بخواهند بچه زنده را از شکم زن حامله ای که دفنش کرده اند بیرون آورند واجب است.

عادت ماهانه (۱) – نشانه های خون حیض

مسأله ۷۹. حیض، که گاهی از آن به «عادت ماهیانه» تعبیر می شود، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن ها خارج می شود. و زن را در موقع دیدن خون حیض، «حائض» می گویند و به هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است. مسأله ۸۰. خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ و یا سرخ مایل به سیاهی است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید. مسأله ۸۱. زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دوبار خون ببیند و آن خون نشانه های حیض داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده ده روز یا بیشتر باشد، باید هر دو را حیض قرار دهد (۲). مسأله ۸۲. زن های قرشی بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می شوند، یعنی خون حیض نمی بینند و زن هایی که قرشی نیستند بعد ۱. یا همان «پریود» ۲. ولی اگر روزهای

وسط کمتر از ده روز باشد، خون دوّم خون استحاضه است. صفحه ۴۰ از تمام شدن پنجاه سال یائسه می شوند. مسأله ۸۳. خونی که دختر، پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می بینند، حیض نیست. مسأله ۸۴. مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست. مسأله ۸۵. باید سه روز اول حیض، پشت سرهم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، اگر این حالت بیش از ده روز طول نکشد احتیاط واجب آن است که هم اعمال مستحاضه را انجام دهد و هم از محرّمات حائض اجتناب کند. مسأله ۸۶. پس خون حیض دارای شرایط ذیل است: ۱. دختر بالغ باشد. ۲. یائسه نباشد. ۳. مدّت کمتر از سه روز نباشد. ۴. بیشتر از ده روز نباشد. ۵. سه روز اول حیض متصل باشد. ۶. بین دو حیض حداقل ده روز فاصله بیفتد. مسأله ۸۷. لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فضای فرج خون باشد کافی است و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است. مسأله ۸۸. لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی صفحه ۴۱ باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود زّپس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم به نحوی که گفته شد پشت سرهم خون بیاید، یا در وسط های روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است. مسأله ۸۹. اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط، پاک بوده در حکم حیض است. مسأله ۹۰. اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا خون حیض باید همه عبادتهایی که زن غیر حائض انجام می دهد به جا آورد و از محرّمات حائض اجتناب نماید. مسأله ۹۱. اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد. مسأله ۹۲. اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند، بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض است. مسأله ۹۳. اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند، خون دوم حیض است و در خون اول و روزهای بعد که پاک بود بین عمل مستحاضه و محرّمات حائض جمع کند. صفحه ۴۲ مسأله ۹۴. زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد، ممکن است حیض ببیند. مسأله ۹۵. دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد حیض نیست. و اگر نشانه های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند حیض است و معلوم می شود نه سال او تمام شده است. مسأله ۹۶. زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که حیض است و یائسه نشده است. مسأله ۹۷. گوش دادن به آیات سجده واجب، همانند تلاوت آنها، برای شخص حائض جایز است، و اگر آیه سجده را بشنود باید در همان حال سجده کند. مسأله ۹۸. ازدواج و مراسم عقد در حال عادت ماهیانه جایز است. مسأله ۹۹. هنگامی که زن از خون حیض پاک شود طلاق او صحیح است، و همسرش نیز می تواند با او نزدیکی کند، هر چند هنوز غسل نکرده باشد زّولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی خودداری کند، ولی کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده، مانند توقّف در مسجد و مسّ خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی شود. مسأله ۱۰۰. شیر دادن بچه شیرخوار در ایام عادت ماهیانه هیچ اثر نامطلوبی ندارد. صفحه ۴۳ مسأله ۱۰۱. اصلاح صورت، رنگ کردن مو، و آرایش به هنگام عادت ماهیانه اشکال ندارد. نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه مسأله ۱۰۲. نشانه پایان یافتن عادت ماهیانه به این صورت است که اگر زمان و ایام عادت معلوم باشد، و در حدود همان زمان خون قطع شود، و لگه ای پیدا نباشد، عادت پایان یافته و انتظار بیشتری لازم نیست. مسأله ۱۰۳. هنگامی که زن از حیض پاک شود باید برای انجام عبادات خود غسل کند، و اگر دسترسی به آب ندارد تیمّم نماید. لازم به ذکر است که غسل حیض همانند غسل جنابت انجام می شود ولی از وضو کفایت نمی کند. مسأله ۱۰۴. هرگاه پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید غسل کند و عبادتهای

خود را انجام دهد، اگر چه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند. مسأله ۱۰۵. نمازهای زنانی که در حال حیض یا نفاس هستند، قضا ندارد، ولی روزه های آنها قضا دارد. شاید علت آن این باشد که روزه در طول سال فقط یک ماه واجب است، و قضای آن مشکل نخواهد بود، اما نماز که هر روز خوانده می شود اگر نیاز به قضا داشته باشد، برای بانوان سنگین خواهد بود. علاوه بر این، روزه مانع کار کردن زنان نیست، اما قضای نمازها مانع کار آنهاست. صفحه ۴۴ احکام حائض مسأله ۱۰۶. چند چیز بر حائض حرام است: اول عبادت هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود ولی بجا آوردن عبادت هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد. دوم تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوم جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکنند. مسأله ۱۰۷. جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به نحوی که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید. مسأله ۱۰۸. اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن با زن خود در قبل جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار و نیم نخود بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد و در صفحه ۴۵ شب و یا روز سوم و چهارم، نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم، باید چهار نخود و نیم بدهد. مسأله ۱۰۹. برای پرداخت کفاره لازم نیست طلای سکه دار بدهد ولی اگر بخواهد قیمت آن را بدهد باید به قیمت روزی که می پردازد حساب کند. مسأله ۱۱۰. اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، با زن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد. مسأله ۱۱۱. اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند بنابر احتیاط واجب، باز هم باید کفاره بدهد. مسأله ۱۱۲. اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها کفاره ندهد احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد. مسأله ۱۱۳. اگر مرد در حال جماع بفهمد، زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد. مسأله ۱۱۴. اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید، احتیاط واجب آن است که کفاره بدهد. مسأله ۱۱۵. کسی که نمی تواند کفاره بدهد بهتر آن است که صدقه ای به فقیر بدهد و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید استغفار صفحه ۴۶ کند و هر وقت توانست باید کفاره را بدهد. مسأله ۱۱۶. طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است. مسأله ۱۱۷. اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است. مسأله ۱۱۸. اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده، نمازی که خوانده باطل است. مسأله ۱۱۹. بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و شیوه آن مثل غسل جنابت است. ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن، وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است. مسأله ۱۲۰. هرگاه زن از خون حیض پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است و شوهرش هم پس از شستن محل می تواند با او نزدیکی کند، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از نزدیکی با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی شود. مسأله ۱۲۱. اگر آب، برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد بنابر احتیاط واجب باید غسل صفحه ۴۷ کند و بدل از وضو، تیمم کند و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید. و اگر برای هیچ یک از آنها آب

ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. مسأله ۱۲۲. هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود، باید فوراً نماز بخواند. مسأله ۱۲۳. اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است ولی در تندخواندن و کندخواندن و چیزهای دیگر، باید ملاحظه حال خود را بکند مثلاً- زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز بخواند، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به بیانی که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود و برای کسی که مسافر است، گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است و گرنه واجب نیست. مسأله ۱۲۴. اگر زن در آخر وقت نماز، از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر بخواند، باید قضای آن را بجا آورد. صفحه ۴۸ مسأله ۱۲۵. اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند بنا بر احتیاط واجب، آن نماز را بخواند و اگر گذشته از تنگی وقت، تکلیفش تیمم است، مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند. مسأله ۱۲۶. اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه باید نمازش را بخواند. مسأله ۱۲۷. اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد، نماز بخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را بجا آورد. مسأله ۱۲۸. مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود. مسأله ۱۲۹. خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خط های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است. اقسام زنان حائض مسأله ۱۳۰. زنان حائض بر شش گونه هستند: ۱- صاحب عادت وقتی و عددیه و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون صفحه ۴۹ حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم خون ببیند. ۲- صاحب عادت وقتی و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود. ۳- صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم به یک اندازه باشد و ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند. ۴- مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده، مثلاً سه دفعه یا بیشتر بر خلاف عادت سابقه حائض شده و عادت تازه ای پیدا نکرده است. ۵- مبتدئه و آن زنی است که برای اولین بار حائض می شود. ۶- ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. هر کدام از اینها احکامی دارند که در مسایل آینده گفته می شود. ۱. صاحب عادت وقتی و عددیه مسأله ۱۳۱. زنهایی که عادت وقتی و عددیه دارند سه دسته اند: ۱. زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول صفحه ۵۰ ماه تا هفتم است. ۲. زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سرهم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می بیند نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید و بقیه خون های او نشانه های استحاضه را دارد، عادت او از اول ماه تا هشتم می شود. ۳. زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند، و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود، عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است و لازم نیست روزهایی که پاک بوده در هر دو ماه یک اندازه باشد.

مسأله ۱۳۲. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگرچه آن خون، نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل این که پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت هایی را که بجا نیاورده قضا نماید. مسأله ۱۳۳. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد گاهی سه حالت به او دست می دهد: صفحه ۵۱. ۱. چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می باشد. و باید عبادت هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت بجا نیاورده قضا نماید. ۲. اگر همه روزهای عادت را فقط با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می باشد و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده باید قضا نماید. ۳. اگر همه روزهای عادت را فقط با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است. مسأله ۱۳۴. زنی که عادت دارد، اگر بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون، کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد، مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد: ۱. آن که تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای صفحه ۵۲ عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد. ۲. آن که خون اول در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد. ۳. آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، که در این صورت همه آنها حیض است و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است؛ مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم، حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد. ۴. آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد که باید در تمام دو خون و پاکی وسط، کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد؛ صفحه ۵۳ یعنی به شیوه ای که برای زن مستحاضه گفته شد، عبادت های خود را انجام دهد. مسأله ۱۳۵. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن. مسأله ۱۳۶. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر و یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد. مسأله ۱۳۷. زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگرچه نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض است و خونی که بعد از روزهای عادت دیده اگرچه نشانه های حیض را داشته باشد استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض و پنج روز بعد استحاضه می باشد. ۲. صاحب عادت وقتیه مسأله ۱۳۸. زن هایی که عادت وقتیه دارند؛ یعنی دو ماه پشت سرهم در وقت معین، خون ببینند، سه دسته اند: صفحه ۵۴. ۱. زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود

ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. ۲. زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید و بقیه خون های او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه نیست. مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم، از اول ماه تا هشتم خون او نشانه های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد. این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. ۳. زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد. این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. مسأله ۱۳۹. زنی که عادت وقتی دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو صفحه ۵۵ سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگرچه آن خون نشانه های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن های حائض گفته شد، عمل نماید. و اگر بعد بفهمد حیض نبوده، مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت هایی را که بجا نیاورده قضا نماید. مسأله ۱۴۰. زنی که عادت وقتی دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند و چه مادری، زنده باشند یا مرده، ولی در صورتی می تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، احتیاط واجب آن است که در هر ماه هفت روز، ایام عادت خود قرار دهد. ۳. صاحب عادت عددیه مسأله ۱۴۱. زن هایی که عادت عددیه دارند یعنی شماره روزهای حیض معین ولی وقت آن مشخص نیست، سه دسته اند: ۱. زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت اومی شود. مثلاً- اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، صفحه ۵۶ عادت او پنج روز می شود. ۲. زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سرهم چند روز از خونی که می بیند نشانه حیض و بقیه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می شود. ۳. زنی که دو ماه پشت سرهم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت خون دیدن، در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می شود. صفحه ۵۷ ۴. مضطربه مسأله ۱۴۲. زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است چند صورت دارد: ۱. در تمام ماه فقط ده روز یا کمتر - سه روز - خون می بیند، همه اش حیض است. ۲. در تمام ماه بیشتر از ده روز خون می بیند و روزهایی که آن خون نشانه های حیض را دارد، بیشتر از سه روز و کمتر از ده روز است، همه این روزها حیض محسوب می شود. ۳. اگر همه روزهای بیشتر از ده روز از نظر اوصاف یکسان است به عادت اکثریت قاطع خویشان از نظر عدد عمل کند. ۴. اگر خویشان از نظر شماره ایام، مختلف هستند هفت روز حیض و

باقی مانده را استحاضه محسوب کند. ۵. مبتدئه مسأله ۱۴۳. مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون هایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. مسأله ۱۴۴. مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه صفحه ۵۸ آن حیض است. مسأله ۱۴۵. اگر مبتدئه بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از روز اولی که خون نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد، به خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد. ۶. ناسیه مسأله ۱۴۶. ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است؛ اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. مسائل متفرقه حیض مسأله ۱۴۷. مبتدئه و مضطر به و ناسیه و زنی که فقط عادت عددیه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد، یا یقین کنند که سه روز طول می کشد، باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادت هایی را که بجا نیاورده اند قضا نمایند. ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می کشد و نشانه های صفحه ۵۹ حیض را هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند. ولی زنی که عادت وقتیه یا «وقتیه و عددیه» دارد، به محض دیدن خون در ایام عادت، عبادت را ترک می کند. مسأله ۱۴۸. زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض، عادت داشته باشد چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سرهم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن، یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش برمی گردد به آنچه در این دو ماه دیده است؛ مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می دیده و پاک می شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم عادت او می شود. مسأله ۱۴۹. مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه. مسأله ۱۵۰. زنی که معمولاً هر ماه یک مرتبه خون می بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و هر دو خون نشانه های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد. مسأله ۱۵۱. اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد، ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و صفحه ۶۰ دوباره سه روز خونی به نشانه های حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه های حیض داشته، حیض قرار دهد. مسأله ۱۵۲. اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن، خون نیست؛ باید برای عبادت های خود غسل کند، اگرچه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند؛ ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند نباید غسل کند و نمی تواند نماز بخواند و باید به احکام حائض رفتار نماید. مسأله ۱۵۳. اگر زن پیش از ده روز پاک شود، و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد، پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت های خود را بجا آورد و اگر پاک نبود اگرچه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، در این صورت به احکامی که قبلاً گفته شد عمل کند. مسأله ۱۵۴. خونهایی که زنان غیر قریشی بعد از ۵۰ سال قمری می بینند، استحاضه محسوب می شود؛ خواه به شکل و صفات حیض باشد یا نباشد. اما زنان قریشی بعد از اتمام شصت سال یا سه می شوند. مسأله ۱۵۵. زن حائض بنابر احتیاط نمی تواند وارد رواق هایی که قبر مطهر ائمه (علیهم السلام) از آنجا دیده می شود، بشود ولی وارد شدن زن حائض به رواق هایی که قبر مطهر از آنجا دیده نمی شود و همچنین صحن ها اشکال ندارد. مسأله ۱۵۶. حضور زنان حائض و جنب در حسینیه ها به هنگام صفحه ۶۱ عزاداری و رفتن به گلزار شهداء و قرائت فاتحه و شرکت در جلسات قرآن اشکالی ندارد؛ ولی

آیات سجده را نخوانند ولی گوش کردن آن اشکالی ندارد. مسأله ۱۵۷. خانمی که جهت جلوگیری از حاملگی، از دستگاه آی یو دی استفاده می کند اگر در این حالت خونریزی رخ دهد: اگر خونریزی از رحم بوده و در آن شرایط حیض باشد، حکم حیض را دارد و اگر ثابت شود که دستگاه یاد شده موجب سقط جنین پس از انعقاد نطفه شده است، در این صورت خون یاد شده حکم نفاس را دارد و در غیر این صورت حکم استحاضه را دارد مگر این که معلوم شود خون به خاطر زخمی است که در رحم بوجود آمده است که در این صورت، حکم قروح و جروح را دارد، و غسل و وضو لازم نیست. مسأله ۱۵۸. استفاده از پلاکهای، که مزین به لفظ جلاله الله و یا اسامی ائمه (علیهم السلام) و یا آیات قرآنی است در ایام عادت ماهیانه در صورتی که با پوست بدن تماس نداشته باشد اشکالی ندارد. البته همراه داشتن قرآن برای حائض مکروه است. مسأله ۱۵۹. هر گاه زن جنب بوده و عادت ماهیانه او فرا برسد، یا در حال عادت ماهیانه محتمل یا جنب شود، یا به مرده ای دست بزند، و بطور کلی غسلی بر او واجب شود، میتواند غسل جنابت با غسل مس میت را انجام دهد و پس از پاک شدن باید برای حیض غسل کند و همچنین غسلهای مستحب را نیز می تواند انجام دهد. صفحه ۶۲ مسأله ۱۶۰. پس از تمام شدن عادت، لازم نیست لباسهایی را که در طول عادت پوشیده اند، آب بکشند، مگر لباسهایی که نجس شده باشد. مسأله ۱۶۱. عرق زن حائض پاک است. مسأله ۱۶۲. کهنه هایی که در ایام عادت مورد استفاده قرار می گیرد، و پس از شستن غالباً رنگ خون باقی می ماند، در صورتی که جرم خون در آن نباشد، باقی ماندن رنگ ضرری ندارد؛ اگر چه بهتر است مراعات بهداشت بشود. آمیزش جنسی در حالت حیض مسأله ۱۶۳. آمیزش در حال حیض حرام است و باید مرد کفاره دهد. مسأله ۱۶۴. بازی کردن با همسر در حال حیض حرام نیست و کفاره هم ندارد. مسأله ۱۶۵. اگر مرد در حال نزدیکی بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشد حکم آن در احکام حائض ملاحظه شود. مسأله ۱۶۶. هر گاه زن بگوید: «حائض هستم» یا «از حیض پاک شده ام» سخن او پذیرفته می شود؛ مگر این که مورد سوء ظن باشد.

استحاضه

مسأله ۱۶۷. یکی از خون هایی که از زن خارج می شود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند و اگر زن حائض بیش از ده روز خون ببیند، به مقدار ایام عادت حیض و بقیه حکم مستحاضه را دارد. مسأله ۱۶۸. خون استحاضه خونی است که حیض و نفاس و زخم و دمل نباشد. در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید. مسأله ۱۶۹. استحاضه سه قسم است: قلیله و متوسطه و کثیره. ۱. «استحاضه قلیله» آن است که خون در پنبه ای که زن داخل فرج می نماید نفوذ نکند یعنی از طرف دیگر ظاهر نشود. ۲. «استحاضه متوسطه» آن است که خون در پنبه فرو رود و از طرف دیگر ظاهر شود ولی به دستمالی که معمولاً زن ها برای جلوگیری از خون می بندند، نرسد. ۳. «استحاضه کثیره» آن است که خون، از پنبه به دستمال برسد. صفحه ۶۴ وظیفه مستحاضه مسأله ۱۷۰. در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه یا نوار بهداشتی را عوض کند یا (آب بکشد) و قبل از نماز، ظاهر فرج را - هم اگر خون به آن رسیده - آب بکشد. و غسل بر او واجب نیست. مسأله ۱۷۱. در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح فردا برای نمازهای خود کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد. (برای هر نماز یک وضو بگیرد...). اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد؛ و نمازهایی را که بدون غسل خوانده باید غسل کند و وضو بگیرد و آنها را دوباره بخواند. مسأله ۱۷۲. در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، (برای هر نماز دستمال یا نوار بهداشتی را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز صبح انجام دهد) باید یک غسل برای نماز «ظهر و عصر» و یک غسل برای نماز «مغرب و عشاء» بجا

آورد و در هر وعده بین نمازها مثلاً ظهر و عصر و یا مغرب و عشاء فاصله نیندازد و اگر مثلاً بین نماز ظهر و عصر فاصله بیندازد، صفحه ۶۵ باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشاء فاصله بیندازد، باید برای نماز عشاء دوباره غسل نماید. پس در استحاضه کثیره، سه وظیفه دارد: ۱. هر روز باید سه غسل بکند. (برای هر وعده ی نماز یک غسل دارد) ۲. برای هر نماز یک وضو بگیرد (پنج وضو در روز) ۳. میان دو نماز فاصله نیندازد. احکام استحاضه مسأله ۱۷۳. اگر زن مستحاضه پیش از وقت نماز، وضو و غسل را انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب، باید در موقع نماز، وضو و غسل را دوباره بجا آورد. مسأله ۱۷۴. مستحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اول بجا آورد صحیح است. اما احتیاط واجب آن است که مستحاضه کثیره اول وضو بگیرد، سپس غسل کند. مسأله ۱۷۵. اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید. مسأله ۱۷۶. اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر، یک غسل و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری بجا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، صفحه ۶۶ باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید. مسأله ۱۷۷. مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است و اگر نزدیک اذان صبح، برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دوباره غسل و وضو را بجا آورد. مسأله ۱۷۸. زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب باشد و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواهد نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شده انجام دهد، ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد، لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد. مسأله ۱۷۹. زن مستحاضه بعد از آنکه خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست. مسأله ۱۸۰. اگر زن نداند استحاضه او از کدام یک از اقسام سه گانه است، موقعی که می خواهد نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است، کارهایی را که برای آن قسم بیان گردید انجام دهد. صفحه ۶۷ مسأله ۱۸۱. زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود را واری کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نباشد مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است. مسأله ۱۸۲. زن مستحاضه اگر نتواند خود را واری نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند، مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار کند. مسأله ۱۸۳. اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد وضو و غسل را به تفصیلی که گذشت باطل می کند. مسأله ۱۸۴. زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واری نماید و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند. مسأله ۱۸۵. زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و اطمینان دارد که بیرون نخواهد صفحه ۶۸ آمد می تواند خواندن نماز را به تأخیر بیندازد. مسأله ۱۸۶. اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز خون بند می آید، بنا بر احتیاط واجب، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند. مسأله ۱۸۷. مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، و اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش، مشغول غسل شده دیگر خون نیامده و موقع غسل و وضو، خون از باطن قطع شده بود، لازم نیست دوباره غسل کند. مسأله ۱۸۸. مستحاضه قلیله بعد از وضو، و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، باید فوراً مشغول

نماز شود ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد، و در نماز هم می‌تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آن را بجا آورد. مسأله ۱۸۹. زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد و خون بیرون آید - هرچند در فضای فرج - باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود. مسأله ۱۹۰. اگر خون استحاضه زن، جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر ندارد، باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر همیشه جریان ندارد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری کند و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم صفحه ۶۹ بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند. مسأله ۱۹۱. اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه، کثیره شود، بنابر احتیاط واجب چنانچه مشغول غسل ترتیبی بوده همان را از سر بگیرد و اگر مشغول غسل ارتماسی بوده بهتر آن است که همان را دوباره انجام دهد. مسائل دیگر استحاضه مسأله ۱۹۲. اگر استحاضه کثیره، قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد و نیز اگر استحاضه متوسطه، قلیله شود باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را بجا آورد. اگر استحاضه کثیره زن، متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر، استحاضه کثیره، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد. مسأله ۱۹۳. اگر استحاضه قلیله زن، پیش از نماز یا بین نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند. صفحه ۷۰ مسأله ۱۹۴. اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن، کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند. و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد باید دو تیمم کند؛ یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمم کند و دیگری را بجا آورد ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمی‌تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب قضا نماید و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او، متوسطه یا کثیره شود. مسأله ۱۹۵. اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، بنابر احتیاط باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد. مسأله ۱۹۶. اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می‌باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند نمازش باطل است. مسأله ۱۹۷. مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد، که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد دست به خط قرآن بزند باید وضو بگیرد و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست. مسأله ۱۹۸. رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه وآله) و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد برای زن مستحاضه اشکال ندارد ولی نزدیکی شوهر با او بنابر احتیاط واجب در صفحه ۷۱ صورتی حلال می‌شود که غسل کند؛ اگرچه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد. مسأله ۱۹۹. نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد، انجام دهد. مسأله ۲۰۰. هرگاه در وقت نماز یومیه، نماز آیات بر مستحاضه واجب شود اگرچه بخواهد هر دو را پشت سر هم بجا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است انجام دهد. مسأله ۲۰۱. زن مستحاضه نباید نماز قضا بخواند. مسأله ۲۰۲. اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد بنابر احتیاط واجب، باید به دستور استحاضه عمل کند بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خون های دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد. مسأله ۲۰۳. زن در ایام استحاضه اگر وظائف مستحاضه را انجام دهد در حکم طاهر است، و همه عبادات را می‌تواند انجام دهد و بنابر احتیاط واجب، نزدیکی شوهر با او در صورتی حلال می‌شود که غسل کند، اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز، واجب

است مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد. صفحه ۷۲ مسأله ۲۰۴. خانمی که چند ماه پی در پی لکه می بیند، چند صورت دارد: *اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم یا دمل است غسل ندارد و طبق معمول پس از شستن باید وضو بگیرد و نماز بخواند *اگر خون مربوط به عوارض رحم بوده باشد و صفات و شرائط خون حیض نداشته باشد در حکم استحاضه است. مسأله ۲۰۵. طلاق زن مستحاضه در صورتی که غسلهای خود را انجام داده باشد، با حفظ دیگر شرایط، صحیح است. مسأله ۲۰۶. مستحاضه می تواند داخل مسجد الحرام و مسجد النبی شود و در بقیه مساجد و حرم ائمه اطهار (علیهم السلام) توقف داشته باشد. مسأله ۲۰۷. استحاضه، بر خلاف حیض و نفاس از نظر زمانی، حداقل و حداکثر ندارد. مسأله ۲۰۸. خانمی که در سنّ کسی است که عادتاً حیض می بیند، عمل جراحی کرده و رحم او را برداشته اند، اگر خونی از آنها خارج شود، حکم عادت ماهانه و استحاضه را ندارد، و تنها باید محل را بشویند. مسأله ۲۰۹. خانمها در سنّ ۵۰ سال قمری، (تقریباً معادل ۴۸ سال و ۶ ماه شمسی است)، یائسه می شوند، حال اگر بعد از این سن هر ماه، مثل زمان عادت ماهیانه با همان اوصاف سابق حیض ببینند، بین احکام حیض و مستحاضه جمع کنند. مسأله ۲۱۰. مستحاضه قلیله که برای هر نماز یک وضو بگیرد، صفحه ۷۳ حال اگر بعد از نماز ظهر هیچ خونی نبیند و بخواهد نماز عصر را بخواند، در این صورت وضو گرفتن لازم نیست. مسأله ۲۱۱. اگر مستحاضه قلیله نماز عصر خود را بخواند و تا نماز مغرب خون نبیند، می تواند با همان وضو، نماز مغرب و عشا را بخواند. مسأله ۲۱۲. اگر مستحاضه قلیله بخواهد کاری انجام دهد که شرط آن طهارت است، مانند رساندن جایی از بدن به خط قرآن، یا طواف واجب خانه خدا و مانند آن، باید برای انجام آنها وضو بگیرد، و همچنین تکرار آن وضو دارد، روی برای نافله های نمازهای واجب وضوی اضافی لازم نیست، و همچنین برای نماز شب که پشت سر هم بجا می آورد یک وضو کافی است. مسأله ۲۱۳. مستحاضه قلیله پس از پاک شدن از خون، غسل بر او واجب نیست. مسأله ۲۱۴. مستحاضه کثیره، هر گاه غسلهای روزانه خود را انجام دهد برای اعمال دیگر، مانند طواف، نماز آیات، و نماز شب، غسل دیگری بر او واجب نیست، تنها باید وضو بگیرد. مسأله ۲۱۵. زنهایی که از داروهای ضد حاملگی استفاده می کنند اگر لکه های خونی را در ایام عادت و غیر آن مشاهده کنند چنانچه این لکه ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد، حکم حیض را ندارد بلکه محکوم به استحاضه است. صفحه ۷۴ روزه در حال استحاضه مسأله ۲۱۶. زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورتی روزه او درست است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن روز روزه بگیرد، بجا آورد و همچنین غسل، روزی که روزه است. مسأله ۲۱۷. احتیاط مستحب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند، از بیرون آمدن خون جلوگیری کند. مسأله ۲۱۸. اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است. مسأله ۲۱۹. شرط صحت روزه مستحاضه کثیره فقط انجام غسل است و شرایط دیگری، از قبیل تعویض نوار بهداشتی آلوده، و جلوگیری از سرایت خون به سایر اعضا، لازم نیست و شرط خاصی ندارد.

احکام نفاس

مسأله ۲۲۰. از وقتی که اولین جزء بیچه از شکم مادر بیرون می آید، هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است. و زن را در این حال، نفاس می گویند. مسأله ۲۲۱. خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بیچه صفحه ۷۵ می بیند نفاس نیست. مسأله ۲۲۲. لازم نیست که خلقت بیچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم زن خارج شود و خود زن بداند، یا دو نفر قابله بگویند که اگر در رحم می ماند انسان می شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است. مسأله ۲۲۳. ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید (یعنی از نظر زمانی حداقل ندارد)، ولی بیشتر از ده روز نمی شود. مسأله ۲۲۴. هر گاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می ماند انسان می شد یا نه، اگر واریسی آسان باشد، واریسی کند. مسأله ۲۲۵. توقف در مسجد و دست زدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفاس هم حرام

است و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می باشد. مسأله ۲۲۶. طلاق دادن زنی که در حال نفاس می باشد باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد. و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است که به شیوه ای که در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد. مسأله ۲۲۷. وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت های خود را بجا آورد. و اگر دوباره خون ببیند، چنانچه تمام صفحه ۷۶ روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن هانفاس است و اگر روزهایی که در وسط پاک بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید. مسأله ۲۲۸. اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است، برای عبادت های خود غسل کند. مسأله ۲۲۹. اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد. چنانچه در حیض، عادت دارد به اندازه روزهای عادت او، نفاس و بقیه استحاضه است. و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می باشد و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند. مسأله ۲۳۰. زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن تا روز دهم عبادت را ترک نماید. پس اگر از ده روز بگذرد، به اندازه روزهای عادتش، نفاس و بقیه استحاضه است و عبادت هایی را که ترک کرده باید قضا کند. مسأله ۲۳۱. اگر پس از وضع حمل، یک ماه یا بیشتر، خون ببیند، اگر در حیض عادت دارد، به مقدار روزهای عادتش نفاس قرار دهد، پس از آن تا ده روز حکم استحاضه را دارد و اگر پس از گذشتن ده روز، ایام صفحه ۷۷ عادت او فرا رسد، مطابق احکام حائض عمل کند خواه نشانه های حیض داشته باشد یا نه و اگر ایام عادت او فرا نرسد حکم استحاضه را دارد، مگر این که نشانه های حیض در آن باشد. مسأله ۲۳۲. زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است. و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض و گرنه آن هم استحاضه می باشد. مسأله ۲۳۳. زنی که عمل سقط جنین -کرتاژ- را انجام داده، بعد از سقط جنین اگر خونی را مشاهده کرد و لو به صورت لکه باشد، محکوم به نفاس است. مسأله ۲۳۴. ورود در حرم امام زادگان برای زنی که در حال حیض و یا نفاس است مانع ندارد. مسأله ۲۳۵. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمدتاً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمدتاً تیمم نکند، روزه اش باطل است. مسأله ۲۳۶. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، با تیمم روزه اش صحیح است و لازم نیست تا صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست، نمی تواند با تیمم صفحه ۷۸ روزه بگیرد. مسأله ۲۳۷. اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است. مسأله ۲۳۸. اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است. مسأله ۲۳۹. اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه هایی که گرفته باید قضا کند. مسأله ۲۴۰. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و تا اذان غسل نکند، و در تنگی وقت تیمم هم نکند، روزه اش باطل است. ولی اگر تیمم کند، روزه او صحیح است. مسأله ۲۴۱. اگر زنی که در حال استحاضه است، غسل های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد، به جا آورد، روزه او صحیح است. مسأله ۲۴۲. در ایام نفاس تنها «روز» ملاک است، و شبانه روز ملاک نمی باشد. مسأله ۲۴۳. خانمهایی که فرزندهای چند قلو دنیا می آورند، شروع نفاس از بچه اول است، و پایان آن پس از ده روز کامل می باشد، ولی احتیاط آن است که در مقدار زائد بر آن نسبت به بچه اخیر، میان احکام صفحه ۷۹ نفاس و استحاضه جمع کند. مسأله ۲۴۴. خون نفاس در حقیقت باقیمانده خون حیض

است، و معمولاً دارای صفات آن می باشد؛ ولی دارا بودن آن صفات از نظر رنگ، سرعت، حرارت، برودت و مانند آن، در آن شرط نیست. مسأله ۲۴۵. در صورتی که بعد از خروج ناقص جنین، خونی مشاهده شود این خون حکم خون نفاس را دارد.

نماز و شرایط آن

مسأله ۲۴۶. اجابت دعوت شوهر بر انجام نمازهای مستحبی مقدم است. مسأله ۲۴۷. زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتی سر و موی خود را، بپوشاند ولی پوشاندن گردی صورت (مقداری که در وضو شسته می شود) و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، اما برای این که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسأله ۲۴۸. برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دستبند و گردنبند) نیز لازم است. ولی زینت آلات روی لباس باشد اشکالی ندارد. مسأله ۲۴۹. احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس صفحه ۸۰ مردانه نپوشد؛ ملاک آن نیز عرف است. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد. مسأله ۲۵۰. اگر سر سوزنی خون حیض، در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است و بنابر احتیاط واجب باید خون نفاس، و استحاضه، و خون سگ و خوک، و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت در بدن، یا لباس نمازگزار نباشد، ولی خون های دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از سطح یک «درهم» باشد. نماز خواندن با آن اشکال ندارد. مسأله ۲۵۱. از پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان که حجم بدن را نشان می دهد، در نماز خودداری شود. مسأله ۲۵۲. بنابر احتیاط واجب باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد. مسأله ۲۵۳. اگر بین مرد و زن، دیوار یا پرده، یا چیز دیگری یا اینکه میانشان تقریباً چهار متر و نیم فاصله باشد نمازشان صحیح است. مسأله ۲۵۴. دیوار حائل بین صفوف بانوان و آقایان نباید به قدری بلند باشد که دو محل را از هم جدا کند، و در واقع همه آنها زیر یک سقف نماز بخوانند، اشکال ندارد. مسأله ۲۵۵. برای زنها نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر صفحه ۸۱ بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند. مسأله ۲۵۶. مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. مسأله ۲۵۷. نماز خواندن با مانتو و شلوار و روسری معمولی، یا بلوز و دامن و جوراب و روسری معمولی، به گونه ای که به جز گردی صورت و دستها تا مچ بقیه بدن پوشیده باشد، مانعی ندارد. هر چند چادر حجاب برتر است. مسأله ۲۵۸. پوشیدن لباس طلاباف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. مسأله ۲۵۹. زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است. و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کنند؛ ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. مسأله ۲۶۰. پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. مسأله ۲۶۱. استفاده از چادرهای نازک که در برابر نور، بدن نمایان می شود در حال نماز در صورتی که در آنجا نوری نباشد که بدن نمایان صفحه ۸۲ شود اشکالی دارد ولی اگر زیر چادر لباس بر بدن داشته باشد اشکالی ندارد. مسأله ۲۶۲. چنانچه زن هنگام نماز، یا پس از آن، دریابد قسمتی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده، پوشیده نشده است، نمازش صحیح است. مسأله ۲۶۳. در جایی که شخص نامحرم به قصد تلذذ به دستها (تا مچ) و گردی صورت زن نمازگزار که زینت دارد، نگاه می کند، نمازش صحیح است. ولی احتیاط واجب آن است که خود را در معرض دید نامحرم قرار ندهد. اذان و اقامه مسأله ۲۶۴. اذان و اقامه مردان و زنان مانند هم است، تفاوتی با هم ندارد؛ ولی اگر زن مایل باشد می تواند بجای اذان کامل، تنها چهار تکبیر و شهادتین را بگوید، و بجای اقامه، دو تکبیر و شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدهد. مسأله ۲۶۵. در پنج مورد اذان ساقط می شود و بنابر احتیاط واجب باید آن را ترک کرد. یکی از آن موارد، نماز عصر و عشاى زن مستحاضه است که

باید بلافاصله آن را بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند. مسأله ۲۶۶. اگر مرد اذان زن را بشنود اذان از او ساقط نمی‌شود، صفحه ۸۳ ولی اگر زن اذان مرد را بشنود از او ساقط می‌شود. مسأله ۲۶۷. در جماعتی که مردان و زنان شرکت دارند، اذان و اقامه نماز جماعت را، باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان، اذان و اقامه زنان کافی است. احکام متفرقه نماز مسأله ۲۶۸. زنی شوهرش اهل خمس و وجوهات شرعی نیست، نماز خواندن زن در خانه و لباس‌هایی که شوهر برای او تهیه می‌کند صحیح است. مسأله ۲۶۹. اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است، اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد نماز او صحیح، و نماز دومی باطل است. مسأله ۲۷۰. فردی که در قرائت و اذکار نمازش غلط‌های زیادی دیده می‌شود قادر به یاد گرفتن نباشد، به همان شکل که می‌تواند بخواند و در صورت امکان، نماز را با جماعت بخواند. مسأله ۲۷۱. هنگام سجده علاوه بر مواضع هفتگانه که باید بر روی زمین قرار گیرد، بهتر است زنان آن‌ها را به قصد رجا خوب است بر زمین بگذارند، ولی واجب نیست. مسأله ۲۷۲. یکی از مبطلات نماز، باطل شدن وضو به هنگام نماز است، خواه عمداً باشد یا سهواً، و یا از روی ناچاری، ولی خارج شدن صفحه ۸۴ خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمی‌کند، به شرط این که به دستورات استحاضه عمل کرده باشد. مسأله ۲۷۳. هرگاه مرد، یا زن نامحرم، و حتی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز گزار یا غیر نماز گزار سلام کند، جواب او به همان نحوی که او سلام کرده واجب است. مسأله ۲۷۴. اگر مرد نامحرمی به زن نماز گزار سلام کند، جواب سلام واجب است. نماز مسافر مسأله ۲۷۵. در صورت مسافرت کردن زن بدون اجازه شوهر نمازش تمام است. زیرا سفر او معصیت محسوب می‌شود، مگر این که سفر واجب باشد. مسأله ۲۷۶. اگر مرد محلی را برای خود وطن انتخاب کند زن نیز از نظر وطن تابع شوهر می‌باشد. مسأله ۲۷۷. خروج الزامی زن از وطن، به تبعیت از شوهر، چنانچه امیدوار باشد که شوهر را باز گرداند اعراض از وطن نیست و اگر امیدی ندارد اعراض خود به خود حاصل است. مسأله ۲۷۸. اگر زن تصمیم دارد با شوهر خود در شهر دیگری زندگی کند و او و شوهرش قصد بازگشت برای اقامت مستمر به شهر پدری نداشته باشند به هنگام بازگشت (مثلاً برای صله رحم) نماز و صفحه ۸۵ روزه اش شکسته است زیرا اعراض حاصل شده است. و داشتن و نداشتن ملک تأثیری در این حکم ندارد. مسأله ۲۷۹. زنی به عقد دائم مردی، که اهل شهرستان دیگری می‌باشد، درآمده است ولی هنوز عروسی نکرده اند. قبل از شروع زندگی مشترک، شهرستان شوهر، وطن زن محسوب نمی‌شود. نماز جماعت و جمعه مسأله ۲۸۰. زن مستحاضه، بنا بر احتیاط واجب، حق ندارد امام جماعت بانوان شود. مسأله ۲۸۱. نماز جمعه توسط مردان منعقد می‌شود ولی زنان هم می‌توانند در آن شرکت کنند. مسأله ۲۸۲. امامت زنان در نماز جمعه جایز نیست هر چند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز می‌باشد. مسأله ۲۸۳. زنان می‌توانند در نماز جمعه شرکت کنند، و نمازشان صحیح و مجزی از نماز ظهر است اما به تنهایی (بدون شرکت مردان) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند، همان گونه که نمی‌توانند مکمل (حد اقل) عدد لازم - پنج نفر - باشند. مسأله ۲۸۴. نماز جمعه برای زنان واجب نیست ولی شرکت آنها در نماز جمعه، مخصوصاً در زمان ما، امر مطلوبی است.

احکام روزه

احکام روزه مسأله ۲۸۵. جویدن غذا برای بچه و همچنین چشیدن غذا و مانند آن و شستشوی دهان با آب یا دارو، اگر چیزی از آن فرو نرود روزه را باطل نمی‌کند و اگر بدون اراده به حلق برسد اشکالی ندارد، البته اگر از اول بدانند بی اختیار به حلق می‌رسد روزه اش باطل است و قضا و کفاره دارد. مسأله ۲۸۶. اگر زنی در ماه مبارک رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد و تیمم کند، روزه اش صحیح است، اما اگر برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد باید بعداً غسل کند و روزه او نیز صحیح است. مسأله ۲۸۷. اگر زنی که در حال حیض یا نفاس بوده پس از پاک شدن غسل را فراموش کند و تا آخر ماه مبارک رمضان به همین شکل روزه بگیرد واجب است که روزه‌ها را قضا کند، ولی کفاره ندارد. مسأله ۲۸۸.

زنی که در حال استحاضه است باید غسل خود را، به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد، به جا آورد و روزه او در حالت استحاضه صحیح است. بخلاف «حیض و نفاس» که روزه از او ساقط میشود ولی قضای آن را باید بجا آورد. مسأله ۲۸۹. کسی که به واسطه بیماری، یا حیض، یا نفاس، روزه ماه رمضان را نگیرد، و پیش از پایان ماه رمضان از دنیا برود، لازم صفحه ۸۷ نیست روزه هایی را که نگرفته برای او قضا نمایند. برخی از مکروهات روزه مسأله ۲۹۰. چند کار برای روزه دار مکروه است، از جمله: الف: سرمه کشیدن، در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد همچنین مداد کشیدن برای خانمهای روزه دار، در حکم سرمه کشیدن است و مکروه می باشد. ب: نشستن زن در آب، بنا بر احتیاط. قضا و کفاره روزه مسأله ۲۹۱. هرگاه روزه خود را عمداً باطل کند، بعد به مسافرت برود کفاره از او ساقط نمی شود، همچنین است اگر عمداً روزه خود را باطل کند بعد عذری مانند حیض، یا نفاس، یا بیماری برای او پیدا شود. مسأله ۲۹۲. بوسیدن مرد روزه دار همسرش را بدون قصد آمدن منی کراهت دارد و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، روزه او باطل می شود اگرچه منی بیرون نیاید. مسأله ۲۹۳. اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است، جماع کند، اگر زن بر عمل راضی باشد، هر کدام باید کفاره بدهد و اگر مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد. صفحه ۸۸ مسأله ۲۹۴. اگر روزه دار در ماه رمضان، با زن خود که روزه دار است، جماع کند و در بین جماع زن راضی شود، باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد. مسأله ۲۹۵. اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نماید، یک کفاره بر او واجب می شود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست. مسأله ۲۹۶. اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیرجماع کار دیگری که روزه را باطل می کند به جا آورد مثلاً آب و یا غذا بخورد کفاره بر هیچ کدام واجب نیست. مسأله ۲۹۷. کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جماع کند، ولی اگر او را مجبور نماید، بنا بر احتیاط باید کفاره زن را بدهد. مسأله ۲۹۸. گرفتن روزه مستحبی در صورتی که باعث از بین رفتن حق شوهر می شود برای زن جایز نیست، بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود، ولی شوهر، او را از گرفتن روزه مستحبی منع کند، بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند. مسأله ۲۹۹. روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر، یا جد شود جایز نیست، بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند، احتیاط مستحب آن است که روزه نگیرد. صفحه ۸۹ زنانی که روزه بر آنها واجب نیست مسأله ۳۰۰. زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست. و باید برای هر روز یک مُدّ (معادل ۷۵۰ گرم) طعام یعنی آرد یا گندم مانند آنها به فقیر بدهد. و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا کند. مسأله ۳۰۱. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است چه مادر بچه، یا دایه او باشد، یا بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد روزه بر او واجب نیست. و باید برای هر روز یک مُدّ طعام یعنی گندم و مانند آن به فقیر بدهد و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید. مسأله ۳۰۲. دختری که به سنّ بلوغ رسیده، ولی به واسطه ضعف جسمانی توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان ندارد و بعد از ماه مبارک هم تا سال بعد نمی تواند قضا کند، باید برای هر روز یک مُدّ طعام کفاره بدهد یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم آرد گندم، یا مانند آن، به فقیر بدهد و قضای این روزه ها بر او واجب نیست. مسأله ۳۰۳. اگر زن، در حال روزه نذر معین، خون حیض ببیند احتیاط لازم آنست که عوض آن را نه به قصد قضا بلکه به قصد مطلوبیت به جا آورد. صفحه ۹۰ روزه های حرام و مستحب مسأله ۳۰۴. روزه گرفتن زن (روزه مستحبی) در صورتی که حق شوهرش از بین برود بدون اجازه او جایز نیست. مسأله ۳۰۵. برای زنانی که در بین روز از عادت ماهانه یا نفاس پاک می شوند مستحب است اعمالی که روزه را باطل می کند ترک کنند، هر چند روزه آن روز بر آنها واجب نیست. زکات فطره مسأله ۳۰۶. اگر انسان نانخور کسی باشد، ولی قبل از غروب عید فطر نانخور دیگری شود، زکات فطره او برعهده شخص دوم است مثل این که دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود که شوهرش باید فطره او را بدهد. مسأله ۳۰۷. زنی که شوهرش مخارج

او را نمی‌دهد و نانخور دیگری است فطره اش برعهده کسی است که نانخور او می‌باشد و اگر زن غنی است و از مال خود خرج می‌کند باید شخصاً فطره را بدهد. مسأله ۳۰۸. فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد. ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

حج

مسأله ۳۰۹. کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف خود به جا آورد و بهتر این است نیت «ما فی الذمه» کند و اگر به جا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می‌شود. مسأله ۳۱۰. هر گونه لمس، بوسیدن همسر، نگاه کردن به او در حال احرام از روی شهوت جایز نیست. مسأله ۳۱۱. اگر مردی در حال احرام با زن خود عمداً مجامعت کند، در صورتی که زن را مجبور به این کار نماید، باید دو كفاره بدهد و اگر هر دو رضایت داشته باشند، هر یک باید یک كفاره بدهد. مسأله ۳۱۲. اگر مرد طواف نساء را که یکی از کارهای حج است، به جا نیاورد، زنش که به واسطه مُحْرَم شدن بر او حرام شده بود، حلال نمی‌شود. و نیز اگر زن طواف نساء نکند، شوهرش بر او حلال نمی‌شود ولی اگر بعداً طواف نساء را انجام دهند، به یکدیگر حلال می‌شوند. مسأله ۳۱۳. اگر مرد با زن به حج مشرف شوند و عمداً یا سهواً طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورند و یا اشتباه بجا آورند زن و مرد به یکدیگر حلال نمی‌شوند و تا زمانی که خود آنان و یا در مواردی نایب آنها طواف و نماز را بجا نیاورده باشد، آمیزش و دیگر روابط زن و شوهر بر آنها حرام خواهد بود. صفحه ۹۲ مسأله ۳۱۴. خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و سایر شرایط مستطیع است، ولی طفل شیر خواری دارد که با غیر او آرام نمی‌گیرد و نمی‌تواند او را همراه خود ببرد، چنانچه جدا شدن از طفل موجب خطر جانی یا بیماری شدید او، یا سبب عُسر و حرج برای دیگران شود مستطیع نیست. مسأله ۳۱۵. زنی که به لحاظ مالی و بدنی قدرت انجام حج را دارد اگر بداند که در صورت رفتن به تنهایی به حج شوهرش او را طلاق می‌دهد و در نتیجه زندگی او مختل خواهد شد مستطیع نمی‌باشد. مسأله ۳۱۶. زنی که مهریه او وفاقی به حج هست و مطالبه آن از شوهر مفسده‌ای چون اختلاف خانوادگی و طلاق به وجود نمی‌آورد باید با دریافت مهریه خود به حج برود. مسأله ۳۱۷. بنا بر احتیاط واجب زن باید تکبیره الاحرام و قرائت در نماز و تلبیه (در موقع مُحْرَم شدن) را اگر نامحرم می‌شنود آهسته بگوید. مسأله ۳۱۸. اگر در عمره تمتع پیش از سعی، جماع یا لواط کند عمره اش باطل می‌شود و كفاره آن، یک شتر است. و واجب است همان عمره باطل را تمام کند و اگر وقت دارد به میقات برود و عمره تمتع را اعاده نماید و اگر وقت اعاده ندارد واجب است حج افراد و بعد عمره مفرده به جا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده و اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر، جماع یا لواط کرده عمره باطل نمی‌شود لکن یک شتر صفحه ۹۳ كفاره بر او واجب است. مسأله ۳۱۹. زنان می‌توانند از لباس دوخته در حالت احرام بهره‌گیرند فقط نباید دستکش در دست کنند. مسأله ۳۲۰. کسی که معذور باشد و یا احتمال عذر بدهد مثل زنی که احتمال بدهد در اثر عادت زنانگی نتواند پس از مراجعت از منی طواف نساء و نماز آن را به جا بیاورد، می‌تواند این دو عمل را بعد از آنکه محرم به احرام حج شد، مقدم بر وقوف عرفات بدارد، بلکه در صورت خوف از عدم تمکن، لازم است. و پس از بازگشت، اگر توانایی اعاده آن را دارد، احوط آن است که اعاده کند، و اگر خود توانایی آن را ندارد، نایب بگیرد. مسأله ۳۲۱. اگر زن در حال طواف، از سه شوط و نیم به بعد حائض شود و تا وقت وقوف در عرفات پاک نشود عمره تمتع او صحیح است و سعی و تقصیر را با همان حال حیض انجام دهد و در موقع حج، محرم به احرام حج تمتع شود و در بازگشت از منی به مکه بعد از پاک شدن ابتدا قضای باقی مانده از طواف عمره را با نمازش به جا آورد سپس به اعمال حج بپردازد و اگر تا وقت حرکت همراهان از مکه پاک نشد و ناچار شد که با آنها برود جایز است برای قضای باقی مانده طواف عمره و نماز آن و طواف حج و نمازش نایب بگیرد. مسأله ۳۲۲. مستحاضه کثیره باید برای نماز خود غسل کند و وضو بگیرد خواه پس از غسل کردن تا پایان نماز طواف، خون قطع گردد یا نه صفحه ۹۴ ولی احتیاط مستحب آن

است که برای هر یک از طواف و نماز آن، غسل جداگانه ای بنماید. مسأله ۳۲۳. اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود و به مکه بیاید و پیش از آن که پاک شود ناچار به رفتن از مکه شود مثل این که همراهان او عازم مراجعت باشند لازم است بر او که نایب بگیرد و بعد از آن که نایب، طواف حج و نماز آن را انجام داد خودش سعی را به جا آورد و بعد از سعی، برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد. مسأله ۳۲۴. اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شک کند که پیش از انجام عمل حیض شده یا بعد از تمام شدن اعمال، اعتنا به این شک نکند و حج او محکوم به صحت است. مسأله ۳۲۵. زنی که به واسطه خوردن قرص و یا تزریق آمپول، جلو عادت زنانه را گرفته لکن در ایام عادت روزی یک لحظه خون می بیند با عمل به وظایف مستحاضه، طواف و نماز او صحیح است. مسأله ۳۲۶. زنی که روی ناخن او، لاک چسبیده بوده با این کیفیت، اعمال حج را به جا آورده و نمی دانسته که این رنگ لاک، مانع برای وضو و غسل می باشد در این صورت، طواف او باطل است و او در حال احرام است و اگر در ذی حجه در مکه متوجه شود بعد از ازاله مانع، با غسل یا وضو طواف حج و سعی و طواف نساء را به جا آورد و بعداً نیز عمره مفرده همراه با طواف نساء انجام دهد تا از احرام بیرون آید. مسأله ۳۲۷. طواف نساء و نماز آن در عمره مفرده و در حج بر زن صفحه ۹۵ نیز لازم است و تا آن را به جا نیاورد مرد بر او حلال نمی شود بلکه اگر طفل را هم محرم نمودند طواف نساء برای او هم لازم است و تا طواف نساء او انجام نشود، زن بر او پس از بلوغ حلال نمی شود. مسأله ۳۲۸. اگر در مقام ابراهیم (علیه السلام) بواسطه ازدحام و کثرت جمعیت ممکن نشود که مردان جلو بایستند و یا رعایت این شرط حرجی باشد و یا لازمه آن بهم خوردن موالات بین طواف و نماز گردد در این صورت رعایت این شرط لازم نیست و نماز آنها صحیح است. مسأله ۳۲۹. کسی که از مریض پرستاری می کند نیز اگر مثل بیمار نمی تواند در روز، رمی جمرات کند جائز است در شب رمی کند ولی اگر با وصف پرستاری بتواند در روز رمی کند، رمی در شب برای او جایز نیست.

احکام اعتکاف

مسأله ۳۳۰. در استجاب اعتکاف فرقی بین زنان و مردان نیست، زنان نیز می توانند معتکف شوند. مسأله ۳۳۱. زن بنا بر احتیاط واجب باید از همسرش برای اعتکاف اجازه بگیرد و ولی فرزندان بالغ احتیاج به اجازه ولی ندارند. مسأله ۳۳۲. اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف بدهد، ولی در روز سوم پشیمان شود، زن باید اعتکاف را تا آخر ادامه می دهد. مسأله ۳۳۳. با توجه به این که غالب مواد آرایشی بانوان دارای صفحه ۹۶ بوی خوش است آرایش نمودن زن معتکف اشکال دارد. مسأله ۳۳۴. اگر زن معتکف را در دو روز نخست روزهای اعتکاف طلاق رجعی دهند، اعتکافش باطل می شود، و باید برای ادامه عده به خانه شوهر برود، زیرا زن در مدت عده طلاق رجعی، نباید از خانه شوهر خارج شود.

احکام خمس

مسأله ۳۳۵. هر کس در آمدی زاید بر مخارجش دارد باید خمس در آمد خود را پس از گذشتن یک سال بپردازد. البته اگر سال خمسی دارد میزان پایان سال خمسی است بنابراین بعد از گذشتن سال باید اموال خود را تخمیس کند، و تفاوتی بین زن و مرد از این جهت نیست. مسأله ۳۳۶. به مهریه خانمها خمس تعلق می گیرد. مسأله ۳۳۷. خانمی که دارای زینت آلات طلا باشد و برخی از آن نیز هدیه باشد و سال بر آن بگذرد، چنانچه زینت آلات مزبور مورد نیاز و جزء شئون او بوده باشد خمس ندارد. مسأله ۳۳۸. اگر از غیر کسب مالی به دست آورد مثلاً چیزی به او بخشند واجب است خمس آن را بدهد و همچنین هر نوع درآمدی که از ناحیه غیر کسب به دست بیاید، مثلاً چیزی از طریق وصیت به او برسد، فقط ارثی که از نزدیکان به انسان برسد خمس ندارد. صفحه ۹۷ مسأله ۳۳۹. ارث مشمول خمس نیست و ولی زمینهای موروثی که قیمت آنها از زمانی که مال الارث به او منتقل شده افزایش

یافته باشد، به افزایش آن خمس تعلق می‌گیرد. مسأله ۳۴۰. اگر انسان نتواند یکجا جهیزیه دختر را تهیه کند و مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه نماید یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می‌کند، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس ندارد. مسأله ۳۴۱. اگر در اثناء سال از منفعت کسب اثاثیه ای برای منزل بخرد، چنانچه در بین سال یا سال‌های بعد احتیاجش از آن برطرف شود، احتیاط مستحب آن است که خمس آن را بدهد و همچنین است زیورآلات زنانه، اگر در بین سال وقت زینت کردن زن‌ها به آنها بگذرد. مسأله ۳۴۲. لباس‌های متعدّد و همچنین انگشتر و زیورآلات و وسایل مختلف زندگی، اگر همه آنها مورد نیاز و در حدّ شأن او باشد و از درآمد همان سال تهیه شده باشد خمس ندارد، ولی اگر زاید بر نیاز و شأن باشد، مقدار زیادی، خمس دارد. مسأله ۳۴۳. کسی که زنش سیده است نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان خمس به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند. مسأله ۳۴۴. اگر کسی مجبور شد برای حلّ مشکلی، زینت آلات را صفحه ۹۸ بفروشد اگر بیش از یک سال آن پول بماند، مشمول خمس نیست و این در صورتی است که نگهداری آن برای حل آن مشکل باشد. مسأله ۳۴۵. چنانچه پدری که - نعوذ بالله - ثروتش از راه حرام بدست آمده، جهیزیه ای برای دخترش تهیه کند، یا هدیه ای به او بدهد که دختر یقین ندارد که از مال حرام است، برای او اشکالی ندارد. و اگر یقین دارد، چنانچه مقدار حرام و صاحبانش شناخته شده نیستند، واجب است خمس آن را بپردازد، و بقیه پاک می‌شود. مسأله ۳۴۶. سیادت از طریق مادر به فرزندان در بعضی از احکام سیادت (از جمله گرفتن خمس) منتقل نمی‌شود. ولی این گونه افراد به خاطر انتسابشان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارای احترام هستند. مسأله ۳۴۷. می‌توان به زن سیده ای که شوهرش سید نیست، ولی نیازمند است، از سهم سادات کمک نمود، تا خرج شوهر و فرزندان او کند.

زکات

مسأله ۳۴۸. به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگرچه مخارج او بر انسان واجب باشد، می‌شود زکات داد. ولی اگر زن برای خرجی خودش قرض کرده باشد شوهر نمی‌تواند بدهی او را از زکات بدهد بلکه اگر کس دیگری هم که مخارج او بر انسان واجب است برای خرجی خود قرض کند احتیاط واجب آن است که بدهی او را از صفحه ۹۹ زکات ندهد. مسأله ۳۴۹. اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و خادم خود نماید اشکال ندارد. مسأله ۳۵۰. پدر می‌تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می‌تواند برای آنکه پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد. مسأله ۳۵۱. زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکات بدهند. ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که شوهر مخارج آن زن را بدهد یا زن بتواند او را مجبور کند، نمی‌شود به آن زن زکات داد. مسأله ۳۵۲. زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگرچه شوهر زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید. مسأله ۳۵۳. زکات تنها به طلاهایی تعلق می‌گیرد که به صورت سکه رایج معامله باشد و چون سکه‌های بهار آزادی پول رایج معامله در بازار محسوب نمی‌شود، زکات ندارد. مسأله ۳۵۴. اگر کسی مفقود الاثر گردید و زن جهت طلاق به دادگاه مراجعه کرد و قرار شد چهار سال جستجو نموده، سپس حکم طلاق را صادر کنند در این مدت اگر زن از جهت نفقه در مضیقه باشد، می‌تواند از زکات استفاده کند. صفحه ۱۰۰ مسأله ۳۵۵. اگر شوهر وضع مالی مناسبی ندارد و مخارج خانواده اش را به سختی تأمین می‌کند، در صورتی که زنش سیده نباشد می‌تواند زکات بگیرد و صرف مخارج نماید.

احکام ازدواج

مسئله ۳۵۶. صیغه خواهر و برادری موجب محرمیت نیست و این نحو صیغه در شرع مقدس اسلام وجود ندارد. مسئله ۳۵۷. ازدواج انسان با زن شوهر مادرش (۱) در صورتی که از شوهر خود طلاق گرفته باشد و در عقد دیگری نباشد، صحیح است و مانعی ندارد.

مسئله ۳۵۸. زن پدرزن در صورتی که مادرزن داماد نباشد، به داماد محرم نیست. مسئله ۳۵۹. اگر مردی با زنی زنا کند، برادر زانی می‌تواند با آن زن ازدواج کند. مسئله ۳۶۰. مرد مسلمان می‌تواند زن اهل ذمه را متعه نماید ولی بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند با زن اهل ذمه ازدواج دائمی بکند. و صیغه متعه او همان صیغه متعه زن مسلمان است و زن مسلمان جایز نیست با کافر ازدواج کند نه متعه و نه دائم و اگر ازدواج کند باطل و به کافر زنا داده > ۱. مادر انسان با مردی ازدواج کند و آن مرد زن قبلی خود را طلاق داده باشد. صفحه ۱۰۱ است و مرد کافر اگر مایل به ازدواج با مسلمان است باید مسلمان شود. مسئله ۳۶۱. هرگاه زن بگوید: «شوهر ندارم» می‌توان حرف او را قبول کرد، به شرط آن که متهّم نباشد. مسئله ۳۶۲. بوسیدن و لمس کردن همجنس (مثل این که زنی، زن دیگری را ببوسد) برای لذت، جایز نیست. خواستگاری مسئله ۳۶۳. تحقیق کردن در مورد پسران، چنانچه تحقیق آمیخته به گناه نشود، و مقدمه ازدواج باشد مانعی ندارد ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد، نباید تحقیق کند. مسئله ۳۶۴. اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد واجب نیست آن را به طرف مقابل بگوید، ولی خلاف آن را نگوید. آیا اگر مشکل مهمی باشد، به نحوی که اگر طرف بفهمد، اقدام به ازدواج نمی‌کند، گفتنش لازم است.

مهریه مسئله ۳۶۵. تعیین مهر در عقد دائم واجب نیست، و بدون آن عقد صحیح است، ولی چنانچه بعداً با زن نزدیکی کند باید مهر را او را صفحه ۱۰۲ مطابق معمول زنهایی که مثل او هستند، بدهد. مسئله ۳۶۶. اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریه‌ها سبک باشد، و اصولاً ازدواج اگر با هزینه کم انجام گیرد، مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسؤولیت شدید دارد. مسئله ۳۶۷. مهر حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است از مهریه‌های سنگین پرهیز شود. مسئله ۳۶۸. منظور از «مهرالمسمی» همان مهری است که در عقد نامبرده می‌شود. مراد از «مهرالمثل» آن است که مثلاً به هنگام عقد نامی از مهر نبرده‌اند، در این صورت باید دید مهر امثال آن زن در عرف و عادت چقدر است و به او بپردازند. مسئله ۳۶۹. منظور از «مهر السنّه» مهر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است، که معروف است پانصد درهم (دویست و شصت و دو نیم مثقال نقره) بوده است.

مسئله ۳۷۰. اگر مردی مهریه همسرش را به قدری سنگین کرده باشد که معادل کل حقوق ماهیانه تمام عمرش هم کفاف آن را نکنند، کار خوبی نکرده، ولی عقد و مهر باطل نیست؛ مگر این که در حدّی باشد که آن مهریه را سفیهانه بدانند. مسئله ۳۷۱. زن حق دارد قبل از تمکین مطالبه مهر کند؛ حتی اگر شوهر قدرت بر پرداخت مهریه نداشته باشد. صفحه ۱۰۳ مسئله ۳۷۲. شوهر باید نفقه همسرش را بپردازد و اگر نفقه همسرش را پرداخت نکند و این امر مدتها ادامه یابد و باعث ضرر و زیان زوجه، یا عسر و حرج شدید او شود، حاکم شرع مرد را وادار به طلاق می‌کند، و اگر طلاق نداد حاکم شرع طلاق می‌دهد. مسئله ۳۷۳. اگر مرد مهر زن را که در عقد معین کند و قصدش این باشد که آن را ندهد، عقد صحیح است ولی مهر را باید بدهد. مسئله ۳۷۴. اگر زن مهریه خود را ببخشد، مشروط بر این که تا زنده است شوهرش همسر دیگری اختیار نکند، اشکالی ندارد. چنانچه مرد از شرط تخلف کند و ازدواج مجدد نماید، ازدواجش صحیح است و زن دوم بر او حرام نیست؛ ولی زن اول می‌تواند مهریه اش را باز پس بگیرد. مسئله ۳۷۵. اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد، به این معنی که از حق شرعی خود استفاده نکند، لازم است به مصالحه عمل کنند، یعنی زن مهر را نگیرد، و مرد هم با زن دیگر ازدواج نماید. مسئله ۳۷۶. پدر یا مادر عروس در صورتی می‌تواند مطالبه شیر بها بکند که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن نکاح قید شود. مجلس عروسی مسئله ۳۷۷. موسیقی مطلقاً حرام است خواه در مجالس عروسی و غیر عروسی. صفحه ۱۰۴ مسئله ۳۷۸. رقص زن فقط برای شوهرش جایز است، نه در حضور زنان دیگر. و دیگر اقسام رقص حرام و جایز نیست. مسئله ۳۷۹. کف زدن اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود. مسئله ۳۸۰. آواز خوانی زنان و دختران بصورت انفرادی یا دستجمعی، در محفل خصوصی زنان، و مجالس عروسی،

اگر مناسب مجالس لهو و فساد باشد، جایز نیست. مسأله ۳۸۱. کف زدن و چوب بازی در مجالس عروسی اشکالی ندارد، مگر این که مفسده خاصی بر آن مترتب شود. مسأله ۳۸۲. شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می داند در آن رعایت احکام اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن) گناه و حرام است. اولیای عقد مسأله ۳۸۳. دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، چنانچه باکره باشد احتیاط آن است که با اجازه پدر یا جد پدری ازدواج نماید ولی اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازه او شرط نیست. همچنین اگر به پدر یا جد پدری خود دسترسی نداشته باشد و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد، یا این که دختر قبلاً شوهر کرده باشد، که در این دو صفحه ۱۰۵ صورت نیز اجازه پدر و جد پدری در ازدواج جدید لازم نیست. مسأله ۳۸۴. دختر باکره ای که به سن بلوغ رسیده و رشیده است بدون اذن پدر، جایز نیست، خود را به عقد موقت مردی در آورد. مسأله ۳۸۵. شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده، اما والدینش فرد دیگری را در نظر دارند، اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند، در غیر این صورت رعایت نظر آنها لازم نیست گرچه این امر موجب ناراحتی آنها شود. مسأله ۳۸۶. در نکاح موقت باکره بالغه رشیده اگر بنا بر دخول نباشد، یا دختر عدم دخول را شرط نماید، باز اذن ولی شرط است. مسأله ۳۸۷. اگر مرد مقلد مرجعی باشد که معتقد است: «ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است». ولی دختر مقلد کسی است که می گوید: «احتیاط واجب کسب اجازه پدر است» دختر بنا بر احتیاط واجب نمی تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند. مسأله ۳۸۸. دختر باکره ای که پدر و جد پدری ندارد، به هنگام ازدواج احتیاط این است که از بعضی بزرگترهای فامیل اجازه بگیرد مخصوصاً برادر بزرگتر. مسأله ۳۸۹. در صورتی که پدر یا جد پدری غایب باشد، و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ولی ساقط می شود. معنای «احتیاج داشتن به شوهر» این است که به سنی رسیده که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا خطر می افتد. صفحه ۱۰۶ مسأله ۳۹۰. منظور از کفو شرعی در ازدواج آن است که مسلمان باشد، و منظور از کفو عرفی آن است که از نظر شؤون اجتماعی با هم متناسب باشند. و مراعات کفو عرفی لازم نیست مگر در جایی که دختر رشد فکری کافی ندارد، و ولی برای او شوهر انتخاب می کند. مسأله ۳۹۱. دختر و پسری (العیاذ بالله) رابطه نامشروع داشته اند که در نتیجه دختر حامله می شود، در ازدواج آنان با یکدیگر، اجازه پدر دختر شرط نیست ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند. مسأله ۳۹۲. در یک حادثه رانندگی یا در اثر تجاوز بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشک جراح ترمیم گردیده است. برای ازدواج اذن پدر در هر دو صورت شرط است. مسأله ۳۹۳. تزویج صغیر و صغیره به وسیله اولیا تنها در صورتی که به مصلحت آنان باشد جایز است. مسأله ۳۹۴. اگر پدری، دختر صغیره خود را که کمتر از نه سال دارد، بدون اطلاع او به عقد مردی، که بزرگتر است در آورده است. دختر پس از بلوغ نارضایتی خود را اعلام و اصرار بر جدایی نماید، چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده باطل است و دختر می تواند بدون طلاق شوهر کند ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده نمی تواند آن را برهم زند. مسأله ۳۹۵. اگر دختری بخواهد عقد موقت کند، ولی معلوم نیست پدر او راضی است یا نه؟ گرچه دختر بگوید: «پدرم راضی است»، احتیاط آن است که از پدر دختر اجازه گرفته شود. صفحه ۱۰۷ احکام عقد مسأله ۳۹۶. در زناشویی چه دائم و چه موقت، باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می خوانند، یا دیگری را وکیل می کنند که از طرف آنان بخواند. مسأله ۳۹۷. وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود. مسأله ۳۹۸. زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، به یکدیگر حلال نمی شوند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است، کفایت نمی کند ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام و مورد اعتماد باشد کافی است. مسأله ۳۹۹. اگر زنی کسی را وکیل کند که مثلاً ده روز او را به عقد موقت مردی در آورد و ابتدای ده روز را معین نکند باید آغاز آن را از روز و ساعتی که عقد می کند قرار دهد. مسأله ۴۰۰. یک نفر می تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیردائم از طرف دو نفر وکیل شود و نیز انسان می تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود

به طور دائم یا غیردائم عقد کند ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند. صفحه ۱۰۸ کیفیت خواندن عقد دائم مسأله ۴۰۱. اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را زن تو نمودم، به مهری که معین شده). پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی قبول کردم ازدواج را با مهری که معین شده) عقد صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِكَ أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ». پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» صحیح می باشد. دستور خواندن عقد موقت مسأله ۴۰۲. اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد موقت را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي إِلَى الْأَجْلِ الْمَعْلُومِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»، بعد بدون فاصله مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ إِلَى الْأَجْلِ الْمَعْلُومِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ إِلَى الْأَجْلِ الْمَعْلُومِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ ذَلِكَ لِمُوَكَّلِي» صحیح می باشد. صفحه ۱۰۹ شرائط عقد مسأله ۴۰۳. عقد ازدواج چند شرط دارد: اول: عقد را به عربی صحیح بخوانند. و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، باید کسی را که می تواند عقد را به عربی صحیح بخواند وکیل کنند، و اگر نتوانند کسی را که به عربی صحیح می خواند وکیل کنند باید خودشان به غیرعربی بخوانند اما باید لفظی بگویند که معنی «زَوَّجْتُ وَ قَبِلْتُ» را بفهماند. دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند، زن به گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول نماید، و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند، به گفتن «زَوَّجْتُ وَ قَبِلْتُ» قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند، زن و شوهر شوند. سوم: کسی که صیغه را می خواند عاقل باشد، و بنابر احتیاط بالغ باشد چه برای خودش بخواند، یا از طرف دیگری وکیل شده باشد. چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می خوانند، در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگوید صفحه ۱۱۰ «زَوَّجْتُكَ إِحْدَى بَنَاتِي» و او بگوید «قَبِلْتُ» یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را معین نکرده اند عقد باطل است. پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند. مسأله ۴۰۴. اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند عقد باطل است. مسأله ۴۰۵. کسی که دستور زبان عربی را نمی داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید، می تواند عقد را بخواند. مسأله ۴۰۶. اگر بستگان یا نزدیکان زن، او را برای مردی بدون اجازه او عقد کنند و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم، عقد صحیح است و همچنین است در مورد مرد. مسأله ۴۰۷. اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شوند و بگویند با آن عقد راضی هستیم عقد صحیح است. مسأله ۴۰۸. پدر و جد پدری می توانند فرزند نابالغ یا دیوانه خود را که به حال دیوانگی بالغ شده است با رعایت مصلحت ایشان تزویج کنند. و بعد از آن که طفل بالغ شد یا دیوانه عاقل گردید، نباید آن را به هم بزنند. مسأله ۴۰۹. اگر دختر باکره نباشد در صورتی که بکارتش به واسطه شوهر کردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد لازم نیست. صفحه ۱۱۱ مسأله ۴۱۰. اگر پدر، یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد، پسر باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن را - در صورت تمکین و قابلیت برای مسائل زناشویی - بدهد. مسأله ۴۱۱. اگر پدر، یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد، چنانچه پسر در موقع عقد مالی داشته، مدیون مهر زن است و اگر در موقع عقد مالی نداشته، پدر یا جد او باید مهر زن را بدهند. به هم زدن عقد (بواسطه عیوب و..). مسأله ۴۱۲. اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می تواند عقد را به هم بزند: ۱. دیوانگی. ۲. مرض خوره. ۳. مرض برص. ۴. کوری. ۵. شل بودن به طوری که معلوم باشد. ۶. آن که افضا شده، یعنی راه بول و حیض او یکی شده باشد. ولی اگر راه حیض و غائط او یکی شده باشد، به هم زدن عقد اشکال

دارد و باید احتیاط شود. ۷. آن که گوشت، یا استخوانی یا غده‌ای در فرج او باشد که مانع نزدیکی شود. مسأله ۴۱۳. اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است، یا آلت مردی ندارد، یا عین است و نمی‌تواند نزدیکی نماید، یا تخم‌ها او را کشیده اند، می‌تواند عقد را به هم بزند. مسأله ۴۱۴. اگر مرد یا زن، به واسطه یکی از عیب‌هایی که در دو صفحه ۱۱۲ مسأله پیش گفته شد عقد را به هم بزند، باید بدون طلاق از هم جدا شوند. مسأله ۴۱۵. اگر به واسطه آن که مرد عین است و نمی‌تواند نزدیکی کند، زن عقد را به هم بزند، شوهر باید نصف مهر را بدهد. ولی اگر به واسطه یکی از عیب‌های دیگری که گفته شد مرد، یا زن عقد را به هم بزند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد، چیزی بر او نیست و اگر نزدیکی کرده، باید تمام مهر را بدهد. و از آنجا که مسائل مربوط «فسخ عقد» از جانب مرد و یا زن، شرایط خاصی دارد، لازم است هر نوع فسخ زیر نظر حاکم شرع صورت پذیرد. مسأله ۴۱۶. در صورتی که اطمینان حاصل شود که زوج عین است، لازم است با مراجعه به حاکم شرع یک سال به او فرصت معالجه داده شود. مسأله ۴۱۷. اگر زن و شوهری قبل از نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون ادواری مبتلا شوند، هر یک حق فسخ نکاح را دارند. مسأله ۴۱۸. مردی با دختری ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، ولی اکنون مشکلی وجود ندارد، در این صورت شوهر حق فسخ ندارد. صفحه ۱۱۳ مسأله ۴۱۹. اگر زنی مدتی است که به عقد دائم فردی درآمده که به علت ناتوانی جسمی قادر به نزدیکی نبوده و هنوز زن باکره است در صورتی که این زن به عیب شوهر رضایت نداده باشد، حق فسخ دارد. و چنانچه حکم را نمی‌دانسته و فسخ نکرده و آماده تمکین بوده، حق نفقه دارد. و در صورت جدا شدن با فسخ، زن حق نصف مهر را دارد. مسأله ۴۲۰. اگر فردی از لحاظ جنسی در حالت عادی موقتاً به عمل نزدیکی نباشد، ولی با استفاده از داروهای موجود، که توسط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد، بیماری مذکور «عتن» محسوب نمی‌شود، و موجب فسخ نکاح نمی‌باشد. مسأله ۴۲۱. زنی پس از سالها ازدواج بچه دار نشده است، دکتر تشخیص داده که عیب از مرد می‌باشد، اکنون زن می‌گوید: «شوهرم فاقد بیضه است». و بدین جهت بچه دار نشده است، در صورتی که زن آگاهی بر این امر نداشته، می‌تواند فسخ کند، مگر این که بعد از آگاه شدن راضی شده و با او زندگی کرده باشد. مسأله ۴۲۲. تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتی موجب کمال نباشد، ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد «مثلاً گوید تاکنون ازدواج نکرده‌ام و فرزند ندارم» و طرف دیگر با این شرط آماده ازدواج با او شود، و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد در صورتی که به صورت شرط ضمنی در عقد ذکر شود یا عقد مبنی بر آن باشد طرفی که اغفال شده صفحه ۱۱۴ خیار فسخ دارد، و می‌تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند ولی احتیاط آن است که با طلاق از هم جدا شوند. مسأله ۴۲۳. زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه در خارج از منزل موافقت کرده و متعهد شده که ممانعت نکند، حال پس از گذشت چند سال از ازدواج و اشتغال زوجه، مانع ادامه کار او شده است، اگر شوهر از شرط تخلف کند، زوجه می‌تواند به حاکم شرع رجوع کند و به دستور او عمل کند. مسأله ۴۲۴. هرگاه بعد از عروسی معلوم شود که دختر مدتهاست به بیماری صرع (غش) مبتلا است، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده‌اند، ولی پدر و مادرش این مطلب را پنهان کرده‌اند، مرد نمی‌تواند عقد را فسخ کند و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد. ولی اگر در مذاکرات قبل از عقد یا به هنگام اجرای صیغه عقد، شرط سلامت از این بیماری را کرده باشند، شوهر خیار فسخ دارد. نکاح غیر صحیح مسأله ۴۲۵. اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، نمی‌تواند با او زندگی کند، و ازدواجش باطل است. مسأله ۴۲۶. ازدواج موقت زن مسلمان با غیر مسلمان، حتی اهل کتاب حرام است. صفحه ۱۱۵ مسأله ۴۲۷. چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخص گردد که یکی از طرفین یا هر دو خنثای مشکل است، نکاح باطل است. مسأله ۴۲۸. ازدواج زنان و دختران شیعه، با جوانان و مردان اهل سنت در صورتی که خوف انحراف از عقاید حقه نباشد مانعی ندارد، ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست. مسأله ۴۲۹. ازدواج با پسری که به ظاهر مسلمان است، ولی

اهل نماز نیست، جایز است، ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود. محارم و زنانی که ازدواج با آنان حرام است مسأله ۴۳۰. ازدواج با زن‌هایی که با انسان محرم هستند (مثل مادر و خواهر، عمه، خاله و مادرزن)، حرام است. مسأله ۴۳۱. عمه و خاله پدر، عمه و خاله پدرپدر، عمه و خاله مادر، عمه و خاله مادرِ مادر، هر چه بالا روند، به انسان محرمند. مسأله ۴۳۲. پدر و جد شوهر، هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری او هر چه پائین آیند، چه در موقع عقد باشند، یا بعداً به دنیا بیایند، به زن او محرم هستند. مسأله ۴۳۳. اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگرچه با او نزدیکی نکند، مادر و مادرِ مادرِ آن زن و مادرِ پدر او هر چه بالا روند، به آن مرد محرم می‌شوند. صفحه ۱۱۶ مسأله ۴۳۴. اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری آن زن، هر چه پائین روند - چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند - به آن مرد محرم می‌شوند. مسأله ۴۳۵. اگر با زنی زنا کند، نمی‌تواند با دختر او ازدواج کند، و اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی‌شود و اگر پیش از آن که با او نزدیکی کند با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی‌شود. مسأله ۴۳۶. اگر مردی با زنی زنا کند، پسر آن مرد نمی‌تواند با آن زن ازدواج بکند. مسأله ۴۳۷. زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر درآید ولی مرد مسلمان می‌تواند با زن‌های اهل کتاب به طور موقت ازدواج کند. مسأله ۴۳۸. اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند، آن زن بر او حرام می‌شود و اگر با زنی که در عده متعه، یا طلاق بائن، یا عده وفات است زنا کند، بعداً می‌تواند او را عقد نماید، اگرچه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند و معنای طلاق رجعی و طلاق بائن و عده متعه و عده وفات در احکام طلاق گفته خواهد شد. مسأله ۴۳۹. اگر با زن بی‌شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند. صفحه ۱۱۷ مسأله ۴۴۰. اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند. چنانچه مرد و زن، یا یکی از آنان بدانند که کار حرامی انجام می‌دهند یعنی بدانند که عده زن تمام نشده و عقد کردن زن در عده حرام است آن زن بر او حرام می‌شود، اگرچه مرد بعد از عقد با آن زن، نزدیکی نکرده باشد. مسأله ۴۴۱. اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده چنانچه هیچ کدام نمی‌دانسته‌اند زن در عده است و یا نمی‌دانسته‌اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود. و در غیر این صورت می‌تواند صبر کند، پس از خروج از عده، مجدداً عقد کنند. مسأله ۴۴۲. اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و او را عقد کند باید از او جدا شود و بعداً هم نمی‌تواند او را برای خود عقد کند، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد. مسأله ۴۴۳. اگر زن شوهردار - نعوذ بالله - زنا بکند، بر شوهر خود حرام نمی‌شود و چنانچه توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد، بهتر است که شوهر، او را طلاق دهد ولی باید مهرش را بدهد. مسأله ۴۴۴. زنی را که طلاق داده‌اند و زنی که صیغه بوده و شوهرش مدت او را بخشیده یا مدتش تمام شده، چنانچه بعد از مدتی شوهر کند و بعد شک کند که موقع عقد شوهر دوم، عده شوهر اول تمام بوده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند. صفحه ۱۱۸ مسأله ۴۴۵. مادر و خواهر و دختر کسی که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگرچه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند. ولی اگر شک کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی‌شوند. مسأله ۴۴۶. اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن کس لواط کند آنها بر او حرام نمی‌شوند. مگر این که زن را طلاق داده باشد و بخواهد پس از خروج از عده مجدداً ازدواج کند، در این صورت احتیاط لازم این است که ازدواج نکند. مسأله ۴۴۷. اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد، تا وقتی که آن زن در عقد اوست، نمی‌تواند با دختر او ازدواج کند. مسأله ۴۴۸. اگر زنی را برای خود عقد کند، دائمه باشد، یا صیغه، تا وقتی که آن زن در عقد اوست، نمی‌تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید. و در ازدواج موقت اگر مدت زن تمام بشود یا به وی بیخشند تا عده او به پایان نرسد، نمی‌تواند با خواهر او ازدواج کند. مسأله ۴۴۹. اگر زن خود را به ترتیبی که در کتاب طلاق گفته می‌شود، طلاق رجعی دهد، در بین عده نمی‌تواند خواهر او را عقد نماید، بلکه در عده طلاق بائن هم که بعداً

بیان می شود، احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با خواهر او خودداری نماید. مسأله ۴۵۰. انسان نمی تواند بدون اجازه زن خود با خواهرزاده و برادرزاده او ازدواج کند ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم، اشکال ندارد و احتیاط موکد این صفحه ۱۱۹ است که عقد را تجدید کند. مسأله ۴۵۱. اگر زن بفهمد شوهرش برادرزاده یا خواهرزاده او را عقد کرده و حرفی نزند، چنانچه بعداً رضایت ندهد، عقد آنان باطل است. ولی اگر از حرف نزدنش معلوم باشد که باطناً راضی بوده شوهرش نمی تواند از برادرزاده او جدا شود مگر آن که او را طلاق دهد. مسأله ۴۵۲. اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام نیست، ازدواج کند عقد او باطل است، و اگر زن می دانسته که ازدواج کردن در حال احرام حرام است، باید با آن مرد ازدواج نکند. و همچنین است اگر مرد در حال احرام باشد، و زن در حال احرام نباشد. مسأله ۴۵۳. اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند، پیش از آن که نه سال دختر تمام شود، نباید با او نزدیکی کند، و همچنین اگر نه سال او تمام شد و استعداد جسمانی برای نزدیکی نداشته باشد نباید با او نزدیکی نماید و اگر نزدیکی انجام داد و او را «افضا» نمود هیچ وقت نباید با او نزدیکی کند. مسأله ۴۵۴. زنی را که سه مرتبه طلاق داده اند، بر شوهرش حرام می شود، ولی اگر با شرائطی که در کتاب طلاق گفته می شود با مرد دیگری ازدواج کند و شوهر دوم او را طلاق بدهد، شوهر اول می تواند دوباره او را برای خود عقد نماید. صفحه ۱۲۰ شرایط مجاز و غیر مجاز در عقد نکاح مسأله ۴۵۵. اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد مگر با رضایت او. مسأله ۴۵۶. زن می تواند حق وکالت در طلاق خویش را برای فرد ثالثی، مثلاً پدرش، به عنوان شرط ضمن العقد قرار دهد. و بعد از عقد ازدواج نیز می توان آن را در ضمن معامله دیگری، هر چند بعد از ازدواج باشد، برای شخص ثالثی قرار داد. مسأله ۴۵۷. زن می تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهرش شرط کند که تحصیل یا تدریس خود را همچنان ادامه دهد. مسأله ۴۵۸. زن می تواند شرط کند که از طرف مرد وکیل در طلاق خویش باشد و این شرط می تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد و به طور جداگانه انجام شود. مسأله ۴۵۹. اگر زن در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهرش مثلاً مسافرت نماید، یا معتاد به مواد مخدر گردد، یا خرجی او را ندهد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه شوهر این کارها را انجام دهد خود را مطلقه کند، این وکالت صحیح است، و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد. صفحه ۱۲۱ احکام عقد دائم ۱. اطاعت از شوهر مسأله ۴۶۰. زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود یا کاری را در خارج خانه انتخاب کند، مگر برای نیازمندی های جزئی که با حقوق زوج و شئون او منافات نداشته باشد و بدون عذر شرعی نباید از نزدیکی کردن او جلوگیری کند در این صورت، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتاب های فقهی ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانائی داشته باشد، یا نداشته باشد، مدیون زن است. و در عین حال شوهر نباید از خروج زن برای دیدار پدر و مادر و ارحام در حد معمول جلوگیری کند. مسأله ۴۶۱. اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند، گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی رود. مسأله ۴۶۲. مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند. مسأله ۴۶۳. مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد باید خرج سفر او را بدهد. مسأله ۴۶۴. زنی که از شوهر اطاعت می کند اگر مطالبه خرجی کند صفحه ۱۲۲ و شوهر ندهد می تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است، اطاعت شوهر بر او واجب نیست. ۲. تمکین و همخوابی مسأله ۴۶۵. مرد نمی تواند زن دائمی خود را به طوری ترک کند که نه مثل زن شوهردار باشد نه مثل زن بی شوهر، لکن واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند. مسأله ۴۶۶. شوهر نمی تواند بیش از چهارماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند. مگر این که زن در سن بالائی باشد. ۳. مهریه مسأله ۴۶۷. اگر در عقد دائمی، مهر را معین نکنند عقد صحیح است و چنانچه مرد با زن نزدیکی

کند، باید مهر او را مطابق مهر زنهایی که مثل او هستند، بدهد. مسأله ۴۶۸. اگر موقع خواندن عقد دائمی برای دادن مهر مدتی معین نکرده باشند، زن می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند. چه شوهر توانائی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. مگر این که ناتوانی مالی شوهر در زمان عقد قرینه باشد که پرداخت مهر «عندالاستطاعه» خواهد بود. صفحه ۱۲۳ ازدواج موقت مسأله ۴۶۹. ازدواج موقت اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود، و دستاویزی برای هوسبازان و فساد بیشتر نشود به یقین برای جامعه مفید و کارساز است. مسأله ۴۷۰. صیغه کردن زن در صورتی که قصد زناشویی داشته باشد صحیح است اگرچه برای لذت بردن هم نباشد. مسأله ۴۷۱. شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند مگر این که زن در سن بالایی باشد. مسأله ۴۷۲. زنی که صیغه می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید. مسأله ۴۷۳. زنی که صیغه شده اگرچه آبستن شود، حق خرجی ندارد. مسأله ۴۷۴. زنی که صیغه شده حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد، و شوهر هم از او ارث نمی‌برد. مسأله ۴۷۵. زنی که صیغه شده اگر نداند که حق خرجی و همخوابی ندارد، عقد او صحیح است و برای آن که نمی‌دانسته حقی به شوهر پیدا نمی‌کند. صفحه ۱۲۴ مسأله ۴۷۶. زنی که صیغه شده، می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می‌رود، بیرون رفتن او حرام است. مسأله ۴۷۷. اگر زنی مردی را وکیل کند که به مدت و مبلغ معین او را برای خود صیغه نماید، چنانچه مرد او را به عقد دائم خود درآورد یا به غیر از مدت یا مبلغی که معین شده او را صیغه کند، وقتی آن زن فهمید، اگر بگوید راضی هستم عقد صحیح و گرنه باطل است. مسأله ۴۷۸. پدر و جد پدری می‌توانند برای محرم شدن، با زنی که در یک خانه زندگی می‌کنند او را به عقد موقت پسر نابالغ خود درآورند به شرط این که مدت عقد به اندازه‌ای باشد که پسر به حد بهره‌گیری جنسی برسد و نیز می‌توانند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن بستگان به عقد کسی درآورد به شرط آنکه مدت آن به قدری باشد که امکان استمتاع از او باشد سپس بعد از عقد مرد می‌تواند بقیه مدت را به دختر نابالغ ببخشد. مسأله ۴۷۹. اگر مرد مدت صیغه را ببخشد، خواه با او نزدیکی کرده یا نزدیکی نکرده باشد، باید تمام چیزی را که قرار گذاشتند به او بدهد. مسأله ۴۸۰. مرد می‌تواند زنی را که صیغه او بوده و هنوز عده اش تمام نشده به عقد دائم خود درآورد. مسأله ۴۸۱. ازدواج موقت پس از تمام شدن مدت عده دارد، و فرزندی که از آن متولد می‌شوند، تمام حقوق فرزندی را دارند و از پدر و صفحه ۱۲۵ مادر و بستگان خود ارث می‌برند هر چند آن زن و شوهر از یکدیگر ارث نبرند. مسأله ۴۸۲. متعه کردن زن زانیه، جایز نیست. مسأله ۴۸۳. زنهایی که عده نگهدار نیستند و دائماً متعه کسی می‌شوند ولی فاحشه هم نیستند اگر بگویند شوهر ندارم یا بگویند در عده نیستم حرف او قبول است مگر در صورتی که علم بر خلاف آن باشد. احکام نگاه کردن مسأله ۴۸۴. نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است. و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد، حرام است، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد مگر آن مقدار که معمولاً نمی‌پوشانند و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد، و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می‌پوشانند نگاه نکنند. مسأله ۴۸۵. اگر انسان بدون قصد لذت به سر و صورت و دست‌های زن‌های اهل کتاب که بیشتر از حد شرعی آن را باز می‌کنند نگاه کند، در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد. مسأله ۴۸۶. زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ صفحه ۱۲۶ نشده، ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند. مسأله ۴۸۷. نگاه کردن به عورت دیگری حرام است، اگرچه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد. و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند. ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. مسأله ۴۸۸. مرد و زنی که با یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می‌توانند غیر از عورت به

تمام بدن یکدیگر نگاه کنند. مسأله ۴۸۹. مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

احکام پزشکی

مسأله ۴۹۰. هر گاه پرستار و یا طیب ناچار باشد دست به عورت بیمار بزند باید دستکش در دست کند که دست او به عورت آنها نرسد و همچنین است اگر پرستار و یا طیب مرد ناچار شود دست به بدن زن بزند یا پرستار و طیب زن دست به بدن مرد بزند باید دستکش در دست کنند، مگر این که ضرورتی در کار باشد. مسأله ۴۹۱. لمس و تماس دست دانشجوی پسر، با دست زن بیمار موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه، در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است، تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته صفحه ۱۲۷ باشد از روی پیراهن بگیرد. مسأله ۴۹۲. تزریق آمپول به بیمار زن، توسط مرد نامحرم، که مستلزم نگاه و تماس نامحرم می شود در غیر صورت ضرورت جایز نیست. مسأله ۴۹۳. در صورت وجود زنان لایق، در کارهای مربوط به زایمان، حضور مردان در این موارد در بخشهای زایمان، که موجب نظر یا تماس با بدن زنان می شود، جایز نیست. مسأله ۴۹۴. اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و یا دست به بدن او بزند، اشکال ندارد ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند، نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند. مسأله ۴۹۵. اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنابر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره ای جز نگاه کردن به عورت نباشد، اشکال ندارد. جلوگیری از انعقاد نطفه مسأله ۴۹۶. ازدواج و تکثیر اولاد از مستحبات مورد تأکید در اسلام است. در حدیثی از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) چنین نقل شده است: ازدواج کنید و فرزند پیدا کنید من به واسطه شما بر امتهای دیگر مباحثات می کنم. صفحه ۱۲۸ مسأله ۴۹۷. جلوگیری از بچه دار شدن با شرایط زیر اشکال ندارد: ۱. موجب عقیم شدن دائمی نشود. ۲. این کار مستلزم فعل حرامی نشود. ۳. شوهر رضایت داشته باشد. مسأله ۴۹۸. از آنجا که گفته می شود که دستگاه آی - یو - دی و دستگاههای نظیر آن از انعقاد نطفه در رحم جلوگیری نمی کند بلکه بعد از انعقاد نطفه و تشکیل جنین، از جایگزین شدن آن در رحم جلوگیری می کند، در واقع جنین سقط می شود، بنابراین استفاده کردن از اینگونه دستگاهها به طور کلی جایز نیست و اسقاط جنین علاوه بر حرام بودن، دیه نیز دارد. مسأله ۴۹۹. در صورت رضایت زوج و زوجه برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله ای که بی ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (مثل این که مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل بیفتد) مجاز است ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست، مگر در موقع ضرورت. مسأله ۵۰۰. زن را نمی توان مجبور کرد که مثلاً - لوله های خود را ببندد، حتی نمی توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند ولی مرد می تواند با خوردن دارو، یا استفاده از آمپول، یا مانند آن، موقتاً از انعقاد نطفه جلوگیری کند. مسأله ۵۰۱. اگر پزشکان به خانمی بگویند: حاملگی برایت خطر صفحه ۱۲۹ دارد در صورتی که از گفتار آنها اطمینان حاصل شود جلوگیری بلامانع است. مسأله ۵۰۲. مصرف قرصهای ضد حاملگی، برای پیشگیری از بارداری، در صورتی که ضرر قابل ملاحظه ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد. مسأله ۵۰۳. جایز نیست زن بدون اجازه شوهرش، از قرص ضد حاملگی استفاده نماید و یا به روشهای دیگر از حامله شدن جلوگیری کند. مسأله ۵۰۴. حرام است زن بدون رضایت شوهر از انزال مرد در رحم خود ممانعت به عمل آورد بلکه بعید نیست که زن باید در صورت انجام این فعل حرام، دیه نطفه را نیز بپردازد. مسأله ۵۰۵. اگر پزشکهای معتمد به خانمی بگویند در صورتی که حامله شوی برایت خطر جانی دارد، زن می تواند در صورتی که راه معمولی دیگری برای جلوگیری از حامله شدن نباشد لوله های رحم خود را ببندد، اگر چه مستلزم عقیم شدن دائمی بشود. سقط جنین مسأله ۵۰۶. سقط جنین توسط هر کسی و با هر وسیله ای جایز نیست. صفحه ۱۳۰ مسأله ۵۰۷. اگر مادر در غیر ضرورت کاری کند که

فرزندش سقط شود علاوه بر اینکه فعل حرامی را مرتکب شده، باید دیه آن را بپردازد و از آن دیه چیزی به خود مادر به عنوان ارث نمی رسد. مسأله ۵۰۸. حفاظت از بچه در رحم واجب است. (یعنی مادر باید تمام شرایط لازم جهت حفظ و سلامتی بچه را فراهم کند). مسأله ۵۰۹. اگر زنی از زنا آبتن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند.

مسائل متفرقه زناشویی

مسأله ۵۱۰. کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می افتد، برای حفظ عفت خود لازم است زن بگیرد. مسأله ۵۱۱. اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد ثابت شود که بکارت او به وسیله نزدیکی قبل از عقد از بین رفته، می تواند عقد را به هم بزند. مسأله ۵۱۲. اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی تواند وارد شود باید از آنجا بیرون بروند. مسأله ۵۱۳. اگر زن انسان، از شوهر دیگرش دختری داشته باشد، انسان می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست، عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند می تواند با مادر آن دختر ازدواج صفحه ۱۳۱ نماید. مسأله ۵۱۴. اگر مرد نداند که زن در عده است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه ای از آنان به دنیا بیاید، حلال زاده است و شرعاً فرزند هر دو می باشد ولی اگر زن می دانسته که در عده است و می دانسته که ازدواج در عده حرام است شرعاً بچه، فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و به یکدیگر حرام می باشند. مسأله ۵۱۵. اگر زن بگوید یائسه ام نباید حرف او را قبول کرد، ولی اگر بگوید شوهر ندارم، حرف او قبول می شود. مسأله ۵۱۶. اگر بعد از آن که انسان با زنی ازدواج کرد، کسی بگوید آن زن شوهر دارد و زن بگوید ندارم، چنانچه شرعاً ثابت نشود که زن شوهر دارد، باید حرف زن را قبول کرد. مگر این که مدعی شوهر داشتن مورد اعتماد باشد در این صورت باید از او جدا شود. مسأله ۵۱۷. اگر زنی که آزاد و مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد تا هفت سال دختر تمام نشده، پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند. مسأله ۵۱۸. مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: یکی از سعادت های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نیند. مسأله ۵۱۹. هر گاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن با او نزدیکی کند معصیت کرده، ولی اگر بچه ای از آنان به دنیا بیاید، حلال صفحه ۱۳۲ زاده است. مسأله ۵۲۰. زنی که یقین دارد شوهرش در سفر مرده اگر بعد از عده وفات که مقدار آن در احکام طلاق گفته خواهد شد، شوهر کند، و شوهر اول از سفر برگردد، باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اول حلال است ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد زن باید عده نگهدارد و شوهر دوم باید مهر او را مطابق زن هایی که مثل او هستند، بدهد ولی خرج عده ندارد. مستحبات آمیزش ۱. گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هنگام آمیزش، زیرا باعث پرهیز ماندن از شیطان می شود. ۲. از خداوند فرزندی پاک و مبارک و سالم طلب کند و این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ إِنَّ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاً وَلَا نَصِيْباً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصِيفاً مِّنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ». ۳. با وضو باشند، خصوصاً اگر زن حامله باشد. ۴. قبل از آمیزش ملاحظه کردن. صفحه ۱۳۳ ۵. درنگ کردن و تعجیل نداشتن. ۶. در مکان مستور باشند. مکروهات آمیزش ۱. در شبی که ماه ویا خورشید گرفته باشد. ۲. در هنگام غروب آفتاب تا قرمزی هوا برود. ۳. در شب عید فطر و قربان. ۴. در سفر اگر آب برای غسل نباشد. ۵. آمیزش در حالی که هر دو کاملاً عریان باشند. ۶. در حال احتلام قبل از غسل. ۷. بعد از غذا و با شکم پر. ۸. در حال ایستاده. ۹. دستمال نظافت مرد و زن یکی باشد. تلقیح مسأله ۵۲۱. هر گاه نطفه مرد را در رحم همسرش وارد کنند (خواه با استفاده از مقدمات حلال باشد، یا نعوذ بالله حرام) فرزندی که از او متولد می شود حلال زاده است و متعلق به آن مرد می باشد و تمام احکام فرزند (مانند ارث و نفقه و غیر آن) را دارد. صفحه ۱۳۴ مسأله ۵۲۲. جایز نیست نطفه مرد بیگانه را در رحم زنی وارد کنند، خواه با اجازه آن زن باشد یا نه، و خواه شوهر داشته باشد یا نه، و خواه شوهرش اجازه بدهد یا نه، ولی اگر

این کار از روی علم و عمد انجام گیرد، بچه ای که از آن متولد می شود فرزند آنها حساب نمی شود و احکام ارث و مانند آن را ندارد، اما اگر آن بچه دختر باشد صاحب آن نطفه نمی تواند با او ازدواج کند و اگر پسر باشد با آن مادر نمی تواند ازدواج نماید و همچنین در مورد سایر مسائل مربوط به ازدواج. مسأله ۵۲۳. وارد نمودن منی مرد، در رحم زوجه او با آلاتی مانند سرنگ و یا امثال آن اشکال ندارد. لکن باید از مقدمات حرام احتراز نمود. پس اگر مرد با رضایت زن، این عمل را خودش انجام دهد، و منی خود را به وجه حلالی به دست بیاورد مانع ندارد. مسأله ۵۲۴. اگر نطفه زن و شوهر با هم در خارج از رحم تلفیق شود سپس جنین را در رحم زن دیگر که شوهر ندارد قرار دهند اشکال ندارد و فرزند متعلق به صاحبان نطفه می باشد. مشروط به آنکه از ارتکاب مقدمات حرام احتراز نمایند.

والدین و فرزندان

مسأله ۵۲۵. واجب است هنگام تولد فرزند، کسانی که مادر را کمک می کنند (مانند پزشک، پرستار، ماما و...) زن باشند مگر در مقام اضطرار و یا نبودن زن، البته بودن شوهر، نزد زن در هنگام وضع حمل اشکالی صفحه ۱۳۵ ندارد، اگر چه اضطرار هم نباشد. مسأله ۵۲۶. ختنه کردن فرزند پسر واجب است و مستحب است در روز هفتم بعد از ولادت باشد، ولی اگر به تاخیر بیفتد اشکالی ندارد و چنانچه تا بعد از بلوغ این کار صورت نگیرد، بعد از آن بر خود فرزند واجب خواهد بود برای انجام آن اقدام کند. مسأله ۵۲۷. اگر فرزند مختون (ختنه شده) به دنیا بیاید، واجب نیست او را ختنه کنند. مستحبات ولادت فرزند مسأله ۵۲۸. انجام امور ذیل بعد از تولد فرزند مستحب است: ۱. شستن فرزند بعد از تولد اگر برایش ضرر نداشته باشد. ۲. اذان گفتن در گوش راست و اقامه گفتن در گوش چپ فرزند. ۳. مالیدن آب فرات و تربت سیدالشهداء (علیه السلام) به سقف دهان او. ۴. نامگذاری او به نامهای زیبا. بهتر است از اسمائی باشد که متضمن عبودیت خداوند باشد مانند: عبدالرحیم، عبدالرحمن و امثال آن و یا نام پیامبران باشد و بهترین آن محمد است. ۵. تراشیدن موی سر نوزاد یک هفته بعد از تولد و صدقه دادن طلا صفحه ۱۳۶ یا نقره، هم وزن موها. ۶. دادن ولیمه در زمان تولد فرزند و یا چند روز بعد از آن. ۷. ختنه کردن در روز هفتم. ۸. دادن ولیمه هنگام ختنه کردن فرزند. ۹. تغذیه بچه با شیر مادر. مسأله ۵۲۹. از مستحبات مؤکده برای فرزندان، عقیقه کردن است، چه فرزند پسر باشد چه دختر. عقیقه کردن یعنی قربانی کردن گاو یا گوسفند یا شتر با توجه به احکام ذیل. ۱. مستحب است برای پسر حیوان نر، و برای دختر حیوان ماده باشد. ۲. نمی توان به جای قربانی کردن، پول آن را صدقه داد. ۳. مستحب است عقیقه در روز هفتم تولد فرزند باشد، اما اگر از روی عذر و یا جهل به مساله و یا هر دلیل دیگر عقیقه در وقت مذکور انجام نشد، بعدا نیز می تواند عقیقه کند. ۴. اگر پدر و مادر تا قبل از سن بلوغ برای فرزند عقیقه نکردند، فرزند می تواند خودش اقدام به عقیقه کند. ۵. اگر برای شخصی تا آخر عمر عقیقه نشود، مستحب است بازماندگان او برایش عقیقه کنند. ۶. مستحب است دعوت شوندگان از عقیقه بخورند و سپس برای فرزند دعا کنند. صفحه ۱۳۷ تغذیه فرزند مسأله ۵۳۰. مستحب است که کودک با شیر مادر تغذیه شود و تغذیه کامل با شیر مادر دو سال (۲۴ ماه) است. ولی بیست و یک ماه هم کافی است و کمتر از آن ستم در حق بچه است. مسأله ۵۳۱. در صورتی که تغذیه بچه منحصر در شیر مادر نباشد بر مادر واجب نیست که فرزند خود را شیر بدهد، چه مجانی و چه با اجرت. بنابراین اگر بتوان بچه را با شیر خشک و یا با دایه گرفتن و یا با شیر گاو و گوسفند و مانند آن تغذیه کرد و برای فرزند هم ضرری از این ناحیه نبود، بر مادر واجب نیست فرزند را شیر بدهد. مسأله ۵۳۲. اگر تغذیه بچه منحصر به شیر مادر باشد (مثلا شیر دیگران برای او ضرر داشته باشد و یا بدانها دسترسی نباشد) مادر می تواند برای شیر دادن بچه طلب اجرت نماید و پدر باید از مال خود بچه (اگر صاحب مال باشد) آن را بدهد و اگر بچه اموالی نداشت باید خودش بپردازد و اگر او هم نداشت و یا بچه اصلا پدر نداشت، از پدر بزرگ (جد پدری) او اجرت گرفته می شود و اگر هیچکدام نبودند و یا برایشان

مقدور نبود اجرت را بپردازند، تغذیه بچه به عهده مادر خواهد بود، یا مجانا بچه را شیر دهد و یا دایه ای را برای او اجیر کند. مسأله ۵۳۳. در ایام سرپرستی هر کدام از پدر و مادر، اگر دیگری صفحه ۱۳۸ خواست بچه اش را ببیند یا اینکه به او چیزی برساند، یا مشکل و ضرری را از او برطرف کند، و یا اینکه مدتی در کنار هم باشند، دیگری نباید مانع شود. مسأله ۵۳۴. وجوب نفقه فرزندان، برای پدر تکلیف است و مخالفت آن معصیت می باشد، لکن دین نمی شود. مسأله ۵۳۵. پدر و مادر می توانند از مواد خوراکی فرزندان بدون اجازه آنها بخورند و همینطور فرزندان می توانند از مواد خوراکی پدر و مادر بخورند به شرط آنکه ندانند که آنها راضی نیستند، اما لازم نیست بدانند حتما آنها راضی هستند. مسأله ۵۳۶. هزینه دارو و درمان زوجه مریض و مداوا در حد متعارف جزء نفقه است. مسأله ۵۳۷. برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نامشروع کسب درآمد می کند، اگر می دانند نفقه ای که به آنها پرداخت می شود از همان پول است، تصرف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت. مسأله ۵۳۸. اگر شخص ثالث در ضمن عقد ازدواج نفقه زوجه را تعهد نماید، به این معنی که هرگاه بین زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آمد، نفقه زوجه را پرداخت نماید. و در این صورت نفقه بر عهده او خواهد بود. صفحه ۱۳۹ مسأله ۵۳۹. مخارج فرزندان در صورت نیازمند بودنشان به عهده پدر است و اگر پدر فقیر بود و یا اصلاً پدر نبود، به عهده پدر پدر و اگر هیچکدام نبودند مخارج به عهده مادر بچه است و اگر مادر هم نبود و یا فقیر بود به گونه ای که نتواند مخارج بچه را بپردازد، به عهده پدر مادر و بعد، مادر پدر و بعد، مادر مادر و بعد، پدر بزرگ مادر و به همین ترتیب، می باشد. حضانت مسأله ۵۴۰. تا دو سال اول زندگی، نگهداری و تربیت فرزند به عهده مادر اوست و بعد از آن، تا سن هفت سالگی تربیت و نگهداری پسر به عهده پدر و دختر به عهده مادر می باشد، و بعد از هفت سالگی تا سن بلوغ چه پسر و چه دختر به عهده پدر و بعد از سن بلوغ حق حضانت ساقط می شود این در صورتی است که پدر و مادر هر دو زنده باشند و مادر، شوهر دیگری نکرده باشد اما اگر مادر پس از طلاق شوهر اول شوهر دیگری کرده باشد حق حضانت مخصوص پدر است. مسأله ۵۴۱. در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جد او مقدم است؛ حتی در صورتی که زن پس از فوت شوهرش ازدواج کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال بچه، حق با جد است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد. مسأله ۵۴۲. بعد از جدایی زن و شوهر هرگاه دخترشان به سن بلوغ صفحه ۱۴۰ رسیده، فرزند نزد هر کدام دوست داشته باشد، می تواند زندگی کند و نه پدر می تواند او را اجبار کند و نه مادر. مسأله ۵۴۳. هر یک از پدر و مادر، اگر قبل از رسیدن نوبت حضانت از دنیا برود، حق سرپرستی مخصوص دیگری می شود، نه وصی یا نزدیکان متوفی. و در صورت وفات پدر، مادر دارای حق سرپرستی است هر چند شوهر کرده باشد. ولی احتیاط در صورت اخیر این است که رضایت کسی که شرعاً بعد از پدر و مادر صاحب حق حضانت است جلب شود. نشوز مسأله ۵۴۴. هرگاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید، ناشزه بوده و مستحق نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، در این صورت زوج نیز ناشزه است، و زوجه می تواند به حاکم شرع شکایت کند تا او را وادار به انجام وظیفه نماید، و در صورت لزوم تعزیر کند. هدیه به فرزندان مسأله ۵۴۵. اگر پدر چیزی را به فرزندانش ببخشد و آن را به آنها تحویل دهد، نمی تواند آن را پس بگیرد. صفحه ۱۴۱ مسأله ۵۴۶. تفاوت قائل شدن بین فرزندان در هدیه دادن مکروه است. مسأله ۵۴۷. مستحب است انسان به بعضی از فرزندان که دارای خصوصیتی هستند که باعث اولویت آنها از دیدگاه دینی می شود، بیشتر از دیگران هدیه بدهد البته در صورتی که موجب فتنه یا دشمنی و کینه و عقده نگردد. روابط اجتماعی مسأله ۵۴۸. بر فرزندان لازم است که در سه وقت یعنی پس از نماز صبح و بعد از نماز ظهر و پس از نماز عشاء اگر بخواهند مکانی که پدر و مادر در آن تنها هستند وارد شوند اذن بگیرند. مسأله ۵۴۹. اگر کسی بچه را طوری بزند که دیه واجب شود، دیه مال طفل است و اگر بمیرد باید به ورثه او بدهند.

مسئله ۵۵۰. اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که در آینده گفته خواهد شد، شیر دهد، آن بچه به این عده محرم می‌شود: ۱. خود زن و آن را «مادر رضاعی» می‌گویند. ۲. شوهر زن که شیر مال اوست و او را «پدر رضاعی» می‌گویند. صفحه ۱۴۲. ۳. پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگرچه پدر و مادر رضاعی او باشند. ۴. بچه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند، یا به دنیا می‌آیند. ۵. بچه‌های اولاد آن زن هر چه پائین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آن بچه‌ها را شیر داده باشند. ۶. خواهر و برادر آن زن اگرچه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن، با آن زن خواهر و برادر شده باشند. ۷. عمو و عمه آن زن اگرچه رضاعی باشند. ۸. دایی و خاله آن زن اگرچه رضاعی باشند. ۹. اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه پائین روند، اگرچه اولاد رضاعی او باشند. ۱۰. پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه بالا روند. ۱۱. خواهر و برادر شوهری که شیر مال او است اگرچه خواهر و برادر رضاعی او باشند. ۱۲. عمو و عمه و دایی و خاله شوهری که شیر مال اوست، هر چه بالا روند. اگرچه رضاعی باشند. و نیز عده دیگری هم که در مسائل بعد گفته می‌شود، به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند. مسئله ۵۵۱. اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که در آینده گفته می‌شود شیر دهد، پدر آن بچه نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند. و نیز نمی‌تواند دخترهای شوهری را که شیر مال اوست، برای خود عقد نماید، بلکه احتیاط واجب آن است که دخترهای رضاعی او را هم برای خود عقد ننماید ولی جایز است با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که با آنان هم ازدواج نکند، و نگاه محرمانه یعنی نگاهی که انسان می‌تواند به محرم‌های خود کند، به آنان ننماید. مسئله ۵۵۲. اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که در آینده گفته می‌شود شیر دهد، شوهر آن زن که صاحب شیر است، به خواهرهای آن بچه محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج ننماید و نیز خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه محرم نمی‌شوند. مسئله ۵۵۳. اگر زنی بچه‌ای را شیر دهد، به برادرهای آن بچه محرم نمی‌شود. و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه‌ای که شیر خورده محرم نمی‌شوند. مسئله ۵۵۴. اگر انسان با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کند و با آن زن نزدیکی نماید، دیگر نمی‌تواند آن دختر را برای خود عقد کند. مسئله ۵۵۵. اگر انسان با دختری ازدواج کند، دیگر نمی‌تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده، ازدواج نماید. مسئله ۵۵۶. انسان نمی‌تواند با دختری که مادر، یا مادر بزرگ انسان صفحه ۱۴۴ او را شیر کامل داده ازدواج کند. و نیز اگر زن پدر انسان، از شیر پدر او دختری را شیر داده باشد، انسان نمی‌تواند با آن دختر ازدواج نماید. و چنانچه دختر شیرخواری را برای خود عقد کند، بعد مادر یا مادر بزرگ، یا زن پدر او از شیر همان پدر آن دختر را شیر دهد، عقد باطل می‌شود. مسئله ۵۵۷. با دختری که خواهر، یا زن برادر انسان از شیر برادرش او را شیر کامل داده است، نمی‌شود ازدواج کرد. و همچنین است اگر خواهرزاده، یا برادرزاده، یا نوه خواهر، یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد. مسئله ۵۵۸. اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که گفته خواهد شد شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود و همچنین است اگر بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد. ولی اگر بچه پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است، بر شوهر خود حرام نمی‌شود. مسئله ۵۵۹. اگر زن پدر دختری، بچه شوهر آن دختر را از شیر آن پدر، شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود. چه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد. مسئله ۵۶۰. شیر دادن بچه شیرخوار در ایام عادت ماهیانه هیچ اثر نامطلوبی ندارد. صفحه ۱۴۵ شرائط شیر دادنی که علت محرم شدن است مسئله ۵۶۱. شیر دادنی که علت محرم شدن است، هشت شرط دارد: ۱. بچه، شیر زن زنده را بخورد، پس اگر از پستان زنی که مرده است شیر بخورد، فائده ندارد. ۲. شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه دیگر بدهند، به واسطه آن شیر، بچه به کسی محرم نمی‌شود. ۳. بچه شیر را از پستان بمکد، پس اگر شیر را در گلولی او بریزند نتیجه ندارد. ۴. شیر، خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد، مگر این که به قدری کم باشد که در آن مستهلک شود. ۵. شیر از یک شوهر باشد. پس اگر زن شیردهی را طلاق دهند، بعد شوهر دیگری کند و از او آبستن شود و تا موقع زائیدن. شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش

از زائیدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زائیدن از شیر شوهر دوم به بچه ای بدهد، آن بچه به کسی محرم نمی شود. ۶. بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند و اگر قی کند، بنا بر احتیاط واجب کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم صفحه ۱۴۶ می شوند، باید با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند. ۷. پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز به طوری که در مسأله بعد گفته می شود، شیر سیر بخورد، یا مقداری شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روئیده است، بلکه اگر ده مرتبه هم به او شیر دهند، احتیاط مستحب آن است کسانی که به واسطه شیر خوردن او به او محرم می شوند، با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند. ۸. دو سال بچه تمام نشده باشد و اگر بعد از تمام شدن دو سال. او را شیر دهند، به کسی محرم نمی شود. ولی چنانچه از موقع زائیدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد آن بچه به کسانی که گفته شد، محرم می شود. مسأله ۵۶۲. باید بچه در بین یک شبانه روز غذا یا شیر کس دیگر را نخورد ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین غذا خورده، اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کس دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد. ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند، یا کمی صبر کند، که از وقتی که پستان در دهان می گیرد تا وقتی سیر می شود، یک دفعه حساب شود، اشکال ندارد. صفحه ۱۴۷ مسأله ۵۶۳. اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد، بعد شوهر دیگر کند و از شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی شوند. اگر چه بهتر است با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه به یکدیگر نمایند. مسأله ۵۶۴. اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده، محرم می شوند. مسأله ۵۶۵. اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرائطی که گفتیم، بچه ای را شیر دهد، همه آن بچه ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زن ها محرم می شوند. مسأله ۵۶۶. اگر کسی دو زن شیرده داشته باشد و یکی از آنان بچه ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد آن بچه به کسی محرم نمی شود. مسأله ۵۶۷. اگر زنی از شیر یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل بدهد خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی شوند. و احتیاط مستحب این است که با یکدیگر ازدواج نکنند. مسأله ۵۶۸. انسان نمی تواند بدون اذن زن خود، با زن هایی که به واسطه شیر خوردن، خواهرزاده یا برادرزاده زن او شده اند، ازدواج کند. و نیز اگر با پسری لواط کند، نمی تواند با دختر و خواهر و مادر و مادر بزرگ آن پسر که رضاعی هستند یعنی به واسطه شیر خوردن، دختر و خواهر و صفحه ۱۴۸ مادر او شده اند، ازدواج نماید. مسأله ۵۶۹. زنی که برادر انسان را شیر داده، به انسان محرم نمی شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند. مسأله ۵۷۰. انسان نمی تواند با دو خواهر، اگر چه رضاعی باشند، یعنی به واسطه شیر خوردن خواهر یکدیگر شده باشند، ازدواج کند و چنانچه دو زن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده اند. در صورتی که عقد آنان در یک وقت بوده هر دو باطل است و اگر در یک وقت نبوده، عقد اولی صحیح و عقد دومی باطل می باشد. مسأله ۵۷۱. اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که بعداً گفته می شود شیر دهد، شوهرش بر او حرام نمی شود، اگر چه بهتر آن است که احتیاط کنند: ۱. برادر و خواهر خود را. ۲. عمو و عمه و دائی و خاله خود را. ۳. اولاد عمو و اولاد دائی خود را. ۴. برادرزاده خود را. ۵. برادر شوهر، یا خواهر شوهر خود را. ۶. خواهرزاده خود، یا خواهرزاده شوهرش را. ۷. عمو و عمه و دائی و خاله شوهرش را. ۸. نوه زن دیگر شوهر خود را. مسأله ۵۷۲. اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد به صفحه ۱۴۹ انسان محرم نمی شود ولی احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با او خودداری نماید. آداب شیر دادن مسأله ۵۷۳. برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر او است و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوب است که شوهر مزد بدهد. و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد، شوهر می تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد. مسأله ۵۷۴. مستحب است دایه ای که برای طفل می گیرند، دارای عقل و عفت و صورت نیکو باشد و مکروه است کم عقل یا بد صورت، یا بدخلق، یا زنازاده باشد. و نیز مکروه است دایه ای بگیرند که بچه ای که دارد، از زنا به دنیا آمده باشد. مسائل متفرقه شیر دادن مسأله ۵۷۵. مستحب

است از زن ها جلوگیری کنند که هر بچه ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش شود که به چه کسانی شیر داده اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج نمایند. مسأله ۵۷۶. کسانی که به واسطه شیر خوردن، خویشی پیدا می کنند، مستحب است یکدیگر را احترام نمایند، ولی از یکدیگر ارث صفحه ۱۵۰ نمی برند و حق های خویشی که انسان با خویشان خود دارد، برای آنان نیست. مسأله ۵۷۷. در صورتی که ممکن باشد، مستحب است بچه را دو سال تمام شیر بدهند. مسأله ۵۷۸. اگر به واسطه شیر دادن، حق شوهر از بین نرود، زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر دهد، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه به شوهر خود حرام شود. مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد، زن نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد، خودش مادرزن شوهر می شود و بر او حرام می گردد. مسأله ۵۷۹. اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود، باید دختر شیرخواری را برای مدتی که قابلیت بهره گیری جنسی داشته باشد برای خود صیغه کند و با شرائطی که گفته شد، زن برادرش آن دختر را شیر دهد. و پس از مدتی می تواند مدت را ببخشد. مسأله ۵۸۰. اگر مرد پیش از آن که زنی را برای خود عقد کند، بگوید به واسطه شیر خوردن، آن زن بر او حرام شده: مثلاً بگوید شیر مادر او را خورده چنانچه معلوم نباشد که دروغ می گوید نمی تواند با آن زن ازدواج کند. و اگر بعد از عقد بگوید و خود زن هم حرف او را قبول نماید، عقد باطل است پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد، یا نزدیکی کرده باشد، ولی در وقت نزدیکی کردن، زن بداند بر آن مرد حرام است، مهر ندارد و صفحه ۱۵۱ اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده، شوهر باید مهر او را مطابق زن هایی که مثل او هستند، بدهد. مسأله ۵۸۱. اگر زن پیش از عقد بگوید به واسطه شیر خوردن بر مردی حرام شده، چنانچه معلوم نباشد که دروغ می گوید نمی تواند با آن مرد ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید، مثل صورتی است که مرد بعد از عقد بگوید که زن بر او حرام است و حکم آن در مسأله پیش گفته شد. مسأله ۵۸۲. شیر دادنی که علت محرم شدن است، به دو چیز ثابت می شود: اول خبر دادن عده ای که انسان از گفته آنان اطمینان پیدا کند. دوم شهادت دو مرد عادل یا چهار زن یا دو زن باشند، ولی باید شرائط شیر دادن را هم بگویند. مثلاً بگویند ما دیده ایم که فلان بچه بیست و چهار ساعت از پستان فلان زن شیر خورده و چیزی هم در بین نخورده و همچنین سایر شرط ها را که قبلاً گفته شد، شرح دهند. ولی اگر معلوم باشد که شرائط را می دانند و در شرایط شیر دادن با هم مخالف نیستند، لازم نیست شرائط را شرح دهند. مسأله ۵۸۳. اگر شک کنند بچه به مقداری که علت محرم شدن است، شیر خورده یا نه، یا گمان داشته باشند که به آن مقدار شیر خورده، بچه به کسی محرم نمی شود. ولی بهتر آن است که احتیاط کنند.

احکام طلاق

مسأله ۵۸۴. مردی که زن خود را طلاق می دهد، باید عاقل و بالغ باشد و به اختیار خود طلاق دهد و اگر او را مجبور کنند که زنش را طلاق دهد، طلاق باطل است و نیز باید قصد طلاق داشته باشد پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید، صحیح نیست. مسأله ۵۸۵. زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی یا در حال نفاس یا حیض که پیش از این پاکی بود با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته می شود. مسأله ۵۸۶. طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است: اول آن که شوهرش بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد. دوم آبستن باشد و اگر معلوم نباشد که آبستن است و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد، بعد بفهمد آبستن بوده، اشکال ندارد. سوم مرد به واسطه غائب و یا محبوس بودن نتواند یا برایش مشکل باشد که پاک بودن زن را بفهمد. مسأله ۵۸۷. اگر زن را از خون حیض پاک بداند طلاقش دهد بعد معلوم شود که موقع طلاق در حال حیض بوده، طلاق او باطل است و اگر او را در حیض بداند و جدّاً او را طلاق دهد بعد معلوم شود پاک بوده، صفحه ۱۵۳ طلاق او صحیح است. مسأله ۵۸۸. کسی که می داند زنش در حال حیض یا نفاس

است، اگر غائب شود مثلاً مسافرت کند و بخواهد او را طلاق دهد، اگر استعمال ممکن نباشد باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کند. مسأله ۵۸۹. اگر مردی که غائب است بخواهد زن خود را طلاق دهد چنانچه بتواند اطلاع پیدا کند که زن او در حال حیض یا نفاس است یا نه، اگر چه اطلاع او از روی عادت حیض زن یا نشانه‌های دیگری باشد که در شرع معین شده، باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کند. مسأله ۵۹۰. اگر با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد، باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود. ولی زنی را که نه سالش تمام نشده، یا آبستن است؛ اگر بعد از نزدیکی طلاق دهد، اشکال ندارد و همچنین است اگر یائسه باشد یعنی اگر سیده است، بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست، بیشتر از پنجاه سال داشته باشد. مسأله ۵۹۱. هر گاه با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و در همان پاکی جداً طلاقش دهد اگر بعد معلوم شود که موقع طلاق آبستن بوده، اشکال ندارد. مسأله ۵۹۲. اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی صفحه ۱۵۴ کند و مسافرت نماید چنانچه بخواهد در سفر طلاقش دهد، اگر استعمال ممکن نباشد باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی خون می‌بیند و دوباره پاک می‌شود، صبر کند و بهتر این است که یک ماه صبر نماید. مسأله ۵۹۳. اگر مرد بخواهد زن خود را که به واسطه مرضی که حیض نمی‌بیند یا در آفرینش چنین است طلاق دهد، باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی با او خودداری نماید و بعد او را طلاق دهد. مسأله ۵۹۴. طلاق باید به صیغه عربی صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آن را بشنوند و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه باشد، باید بگوید: زَوْجَتِي فَاطِمَةُ طَالِقٌ یعنی زن من فاطمه رها است و اگر دیگری را وکیل کند آن وکیل باید بگوید: زَوْجَةُ مَوَكَّلِي فَاطِمَةُ طَالِقٌ. مسأله ۵۹۵. زنی که صیغه شده، مثلاً یک ماهه یا یکساله او را عقد کرده اند طلاق ندارد و رها شدن او به این است که مدتش تمام شود، یا مرد مدت را به او ببخشد به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست. عده طلاق مسأله ۵۹۶. زن یائسه عده ندارد؛ اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد و بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند و دختری که نه سالش صفحه ۱۵۵ تمام نشده نیز عده ندارد. مسأله ۵۹۷. زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد، بعد از طلاق باید عده نگهدارد یعنی بعد از آن که در پاکی طلاقش داد، به قدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود و همینکه حیض سوم را دید، عده او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر کند. ولی اگر پیش از نزدیکی کردن با او طلاقش بدهد عده ندارد، یعنی می‌تواند بعد از طلاق فوراً شوهر کند. مسأله ۵۹۸. زنی که حیض نمی‌بیند اگر در سن زنهایی باشد که حیض می‌بیند، چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد، باید بعد از طلاق تا سه ماه یعنی نود روز تمام عده نگاه دارد. مسأله ۵۹۹. اگر زن آبستن را طلاق دهند، عده آن یا دنیا آمدن، یا سقط شدن بچه او است، بنابر این اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید، عده اش تمام می‌شود. مسأله ۶۰۰. عده ازدواج موقت پس از تمام شدن و یا بخشیدن باقی مانده مدت، دو حیض است و اگر حیض نمی‌بیند، چهل و پنج روز باید از شوهر کردن خودداری نماید. مسأله ۶۰۱. ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواندن صیغه طلاق تمام می‌شود، چه زن بداند طلاقش داده اند، یا نداند پس اگر بعد از تمام شدن عده بفهمد که او را طلاق داده اند؛ لازم نیست دوباره عده نگهدارد. صفحه ۱۵۶ عده زنی که شوهرش مرده مسأله ۶۰۲. زنی که شوهرش مرده اگر آبستن نباشد، باید تا چهار ماه و ده روز عده نگهدارد اگر چه یائسه یا صیغه باشد، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد و اگر آبستن باشد، باید تا موقع زائیدن عده نگهدارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، بچه اش به دنیا بیاید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند و این عده را عده وفات می‌گویند. مسأله ۶۰۳. زنی که در عده وفات می‌باشد حرام است لباسی که در عرف زینت حساب می‌شود بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می‌باشد. مسأله ۶۰۴. اگر زن بگوید عده ام تمام شده، با دو شرط از او قبول می‌شود: اول: آن که مورد تهمت نباشد. دوم: از طلاق یا مردن شوهرش به قدری گذشته باشد که در آن مدت تمام شدن عده ممکن

باشد. مسأله ۶۰۵. زنی که شوهر او مرده و هنوز عده اش تمام نشده، اگرچه حرام است خود را خوشبو کند ولی چنانچه بمیرد حنوط او واجب است. صفحه ۱۵۷ طلاق بائن و طلاق رجعی مسأله ۶۰۶. طلاق بائن آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند، یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید و آن بر پنج قسمت است: اول: طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد. دوم: طلاق زنی که یائسه باشد یعنی اگر سیده است، بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال داشته باشد. سوم: طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد. چهارم: طلاق زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند. پنجم: طلاق خلع و مبرات. و احکام اینها بعداً گفته خواهد شد. و غیر اینها طلاق رجعی است که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است، مرد می تواند به او رجوع نماید. مسأله ۶۰۷. کسی که زنش را طلاق رجعی داده، حرام است او را از خانه ای که موقع طلاق در آن خانه بوده، بیرون کند. ولی در بعضی از مواقع که در کتاب های مفصل گفته شده. بیرون کردن او اشکال ندارد و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود. صفحه ۱۵۸ احکام رجوع کردن مسأله ۶۰۸. در طلاق رجعی مرد به دو قسم می تواند به زن خود رجوع کند: اول: حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است. دوم: کاری کند که از آن بفهمند رجوع کرده است و در هر دو مورد در باطن قصد رجوع کند. مسأله ۶۰۹. برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، بلکه اگر بدون این که کسی بفهمد، بگوید به زنی رجوع کردم، صحیح است. مسأله ۶۱۰. مردی که زن خود را طلاق رجعی داده، اگر حق رجوع خود را در برابر مبلغی مصالحه کند، مصالحه صحیح و دیگر حق رجوع نخواهد داشت. مسأله ۶۱۱. اگر زنی را دو بار طلاق دهد و بعد از هر طلاقی به او رجوع کند، یا دو بار او را طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند، بعد از طلاق سوم آن زن بر او حرام است، ولی اگر بعد از طلاق سوم به دیگری شوهر کند، با چهار شرط به شوهر اول حلال می شود، یعنی می تواند آن زن را دوباره عقد نماید: اول: آن که عقد شوهر دوم همیشگی باشد و اگر مثلاً یک ماهه صفحه ۱۵۹ یا یک ساله او را صیغه کند، بعد از آن که از او جدا شد، شوهر اول نمی تواند او را عقد کند. دوم: شوهر دوم با او نزدیکی کند. سوم: شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد. چهارم: عده طلاق یا عده وفات شوهر دوم تمام شود. طلاق خلع مسأله ۶۱۲. طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به او می بخشد که طلاقش دهد طلاق خلع گویند. مسأله ۶۱۳. اگر شوهر بخواهد صیغه طلاق خلع را بخواند، چنانچه اسم زن مثلاً فاطمه باشد می گوید: «زَوْجَتِي فَاطِمَةُ خَلَعْتَهَا عَلَيَّ مَا يَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ» (یعنی زنی فاطمه را طلاق خلع دادم او رها است). مسأله ۶۱۴. اگر زنی کسی را وکیل کند که مهر او را به شوهرش ببخشد و شوهر همان کس را وکیل کند که زن را طلاق دهد، چنانچه اسم شوهر محمد و اسم زن فاطمه باشد وکیل، صیغه طلاق را این طور می خواند: «عَنْ مَوْكَلَّتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمَوْكَلِّي مُحَمَّدٍ لِيُخْلَعَهَا عَلَيَّ» پس از آن بدون فاصله می گوید: «زَوْجَةُ مَوْكَلِّي خَلَعْتَهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ» و اگر زنی کسی را وکیل کند که غیر از مهر چیز دیگری صفحه ۱۶۰ را به شوهر او ببخشد که او را طلاق دهد وکیل باید به جای کلمه (مهرها) آن چیز را بگوید مثلاً اگر صد هزار تومان داده، باید بگوید: «يَدَلْتُ مِائَةَ الْفِ تُوْمَانٍ». سپس از طرف شوهر قبول کند و بگوید قبلت ذلک بعداً بگوید زوجه موكلي خلعتها علي ما بدلت هي طالق. طلاق مبرات مسأله ۶۱۵. اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن طلاق را مبرات گویند. مسأله ۶۱۶. اگر شوهر بخواهد صیغه مبرات را بخواند چنانچه مثلاً اسم زن فاطمه باشد، باید بگوید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَهْرَهَا فَهِيَ طَالِقٌ». یعنی از زنی فاطمه در مقابل مهر او جدا شدم پس او رهاست، و اگر دیگری را وکیل کند وکیل باید بگوید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَهْرَهَا فَهِيَ طَالِقٌ». و در هر دو صورت اگر به جای کلمه (علی مهرها) «لمهرها» بگوید، اشکال ندارد. مسأله ۶۱۷. صیغه طلاق خلع و مبرات باید به عربی صحیح خوانده شود ولی اگر زن برای آن که مال خود را به شوهر ببخشد مثلاً به فارسی بگوید برای طلاق، فلان مال را به تو بخشیدم اشکال ندارد. مسأله ۶۱۸. اگر زن در بین عده طلاق خلع، یا مبرات از بخشش خود برگردد، شوهر می تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را زن خود قرار دهد. صفحه ۱۶۱ مسأله ۶۱۹. مالی را که شوهر برای طلاق

مبارات می‌گیرد، باید بیشتر از مهر نباشد، ولی در طلاق خلع اگر بیشتر باشد، اشکال ندارد. احکام متفرقه طلاق مسأله ۶۲۰. اگر با زن نامحرمی به گمان این که عیال خود او است، نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند شوهرش می‌باشد، باید عده نگهدارد. مسأله ۶۲۱. اگر با زنی که می‌داند عیالش نیست زنا کند، چنانچه زن گمان کند که شوهر او است، بنابر احتیاط واجب باید عده نگهدارد. مسأله ۶۲۲. اگر مرد زنی را گول بزند که از شوهرش طلاق بگیرد و زن او شود طلاق و عقد آن زن صحیح است ولی هر دو معصیت بزرگی کرده اند. مسأله ۶۲۳. هر گاه زن در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر شوهر مسافرت نماید، یا مثلاً شش ماه به او خرجی ندهد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است و چنانچه شرط کند که اگر مرد مسافرت کند. یا مثلاً تا شش ماه خرجی ندهد، از همین حالا از طرف شوهر وکیل باشد خود را طلاق دهد چنانچه پس از مسافرت مرد، یا خرجی ندادن شش ماه، خود را طلاق دهد، صحیح است. مسأله ۶۲۴. زنی که شوهرش گم شده؛ اگر بخواهد به دیگری صفحه ۱۶۲ شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به راهنمایی او عمل نماید. مسأله ۶۲۵. پدر و جد پدری دیوانه اگر مصلحت باشد می‌توانند زن او را طلاق بدهند. مسأله ۶۲۶. اگر پدر یا جد پدری برای طفل خود - در صورت مصلحت - زنی را صیغه کند؛ اگرچه مقداری از زمان تکلیف بچه جزء مدت صیغه باشد، مثلاً برای پسر چهارده ساله خودش زنی را دو ساله صیغه کند، چنانچه صلاح بچه باشد، می‌تواند مدت آن زن را بیخشد ولی زن دائمی او را نمی‌تواند طلاق دهد. مسأله ۶۲۷. اگر از روی علاماتی که در شرع معین شده، مرد دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنان طلاق دهد، دیگری که آنان را عادل نمی‌داند بنابر احتیاط واجب نباید آن زن را برای کس دیگر عقد کند.

زنا

مسأله ۶۲۸. اگر کسی با زنی که شوهر ندارد و در عده کسی هم نیست زنا کند، چنانچه بعد او را عقد کند و بچه ای از آنان پیدا شود، در صورتی که ندانند از نطفه حلال است یا حرام، آن بچه حلال زاده است. مسأله ۶۲۹. اگر مردی با زن شوهر دار زنا کند آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود. صفحه ۱۶۳ مسأله ۶۳۰. چنانچه زن، ناشزه باشد و بی اذن شوهر از خانه رفته و مشغول به کاری شده و بر نمی‌گردد اگر شوهر زنا کند محصن نیست لکن زن مذکوره محصنه است. مسأله ۶۳۱. کسی که از زنا به دنیا آمده، اگر زن بگیرد و بچه ای پیدا کند آن بچه حلال زاده است. مسأله ۶۳۲. هر گاه شوهر زندانی باشد هر کدام از زن شوهر در آن حال زنا کنند هیچ یک از زوج و زوجه محصن نیستند. مسأله ۶۳۳. هر گاه شوهر عین باشد و زوجه اش زنا دهد زوجه محصنه نیست. مسأله ۶۳۴. اگر بعد از عقد و دخول پسر، پدر پسر با عروس زنا کند زنی پسر بر پسر حرام نمی‌شود و بر زانی حد جاری می‌شود. مسأله ۶۳۵. کسی که زن شوهر دار را از خانه اش با زور بیرون کند و چندین مرتبه با او زنا کند حد شرعی دارد و بر زنی که مکره بوده است حدی نیست. مسأله ۶۳۶. چنانچه ثبوت زنا به اقرار باشد حاکم شرع می‌تواند عفو کند. مسأله ۶۳۷. زنی که از راه نامشروع باردار شده، جایز نیست بچه اش را سقط کند و فرزند او حساب می‌شود، فقط ارث از او نمی‌برد.

احکام پوشش

مسأله ۶۳۸. بدون شک حجاب از مسلمات اسلام است، و تمام فقهای اسلام در آن اتفاق نظر دارند، و هر گونه بدحجابی و بی حجابی بر خلاف شریعت مقدسه است. مسأله ۶۳۹. انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگهای ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البته رنگهای سنگین بهتر است. مسأله ۶۴۰. پوشیدن لباسهای زینتی حرام است و منظور از لباس زینتی این است که عرف آن را لباس زینت می‌خوانند، ولی مانتوهای معمولی زینتی نیست، و لباسی که تمام بدن جز صورت و کفین را بپوشاند کافی است؛ هر چند چادر محفوظ تر و شایسته تر است. مسأله ۶۴۱. مقدار پوشش، در برابر زنان غیر مسلمان آن

است که زنان مسلمان که بدن خود را در برابر زنان غیر مسلمان برهنه نکنند. مسأله ۶۴۲. حجاب برای حفظ شخصیت زن، جلوگیری از انحراف و گسترش فساد در جامعه اسلامی است. و همان گونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است. مسأله ۶۴۳. دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش جز در موارد صفحه ۱۶۵ ضرورت جایز نیست مشروط بر این که فشار ندهد. مسأله ۶۴۴. نگرستن به مرد نامحرم هرگاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد. مسأله ۶۴۵. زنان می توانند به قسمتهایی از بدن بچه های غیر بالغ که معمولاً پوشانیده نمی شود نگاه کنند. و نگاه به عورت بچه غیر ممیز اشکالی ندارد، و مادران در موارد ضرورت می توانند آن را جهت شستشو یا غیر آن لمس کنند.

چند مسئله متفرقه

مسأله ۶۴۶. آرایشگری خانمی را آرایش می کند و می داند آن خانم با وضعیت نامناسب در اجتماع رفت و آمد می نماید، پولی که از آرایشگر دریافت می کند حلال است؛ لکن آن خانم، که خود را در معرض دید نامحرم قرار می دهد، گناهکار است. مسأله ۶۴۷. رانندگی اتومبیل برای زنان با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر، مانعی ندارد. مسأله ۶۴۸. خروج زن از منزل برای انجام واجبات، مثل تشرف به حج واجب، و مراجعه به دکتر، و صله رحم به مقدار لازم، و شرکت در جلسات در مواردی که اگر به مجالس دینی و مساجد نرود، از اسلام دور می ماند، و تعالیم لازم اسلامی را فرا نمی گیرد، و اخلاق اسلامی را صفحه ۱۶۶ ترک می کند، یا در آن ضعیف می شود، منوط به اجازه شوهر نیست؛ بلکه در چنین شرایطی شرکت در مراسم مزبور، برای بانوان مانعی ندارد، هر چند شوهر راضی نباشد. مسأله ۶۴۹. یکی از مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار جایز است لباسهای کوچک نمازگزار، مانند جوراب است، ولی جورابهای بلند که گاهی بجای شلوار از آن استفاده می شود مشمول این حکم نیست.

گفتگو با نامحرم

مسأله ۶۵۰. گفتگو با زن نامحرم در صورتی که به طور عادی باشد مانعی ندارد. مسأله ۶۵۱. گفتگو با مردان نامحرم در حدود سخنان عادی، مشروط به این که منشأ فساد نباشد جایز است. مسأله ۶۵۲. مرد و زنی که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می توانند به مقدار لازم در جلسه ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند. و اگر در یک جلسه مقصود حاصل نشد، می توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، و سپس تصمیم بگیرند. مسأله ۶۵۳. مکالمه تلفنی پسر و دختر و مرادده طرفین جهت دوستی جایز نیست؛ مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد. مسأله ۶۵۴. اگر زن و مرد در مکانی هستند که معمولاً هیچ کس صفحه ۱۶۷ رفت و آمد نمی کند، خلوت با اجنبیه محسوب می شود. و خلوت با اجنبیه، حتی اگر فکر می کنند به حرام نمی افتند حرام است. مسأله ۶۵۵. گاه دانشجوی پسری در بین عده ای دانشجوی دختر، و یا بالعکس درس می خواند، با توجه به این که اگر با این شرایط تحصیل را ادامه ندهد متضرر می شود اگر موجب کار حرامی نمی شود اشکالی ندارد؛ ولی سزاوار است مسئولین کشورهای اسلامی برنامه ای برای جداساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند. مسأله ۶۵۶. شنیدن صدای زن نامحرم، در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب انجام گناه نشود اشکالی ندارد؛ ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس انگیز باشد. مسأله ۶۵۷. خانمهایی که در مجالس زنانه مداحی یا روضه خوانی با آهنگ می کنند اگر متوجه شوند که مرد یا بچه هایی که خوب و بد را می فهمند صدای آنها را می شنود لازم است احتیاطاً، صدای خود را آهسته تر کند و یا بدون تکیه بر صوت بخواند. مسأله ۶۵۸. اگر زن با صوت قرآن بخواند، مرد نامحرم نمی تواند با قصد لذت یا خوف وقوع در حرام به آن گوش دهد و بین نوار و غیر نوار فرقی نمی کند.

عکس

مسأله ۶۵۹. عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که به بدن او غیر از صورت و دستها نگاه کند یا دست به بدن او بزند حرام است و اگر زن نامحرمی را بشناسد، و آن زن مقید به حجاب شرعی باشد نباید به عکس بدون حجاب او نگاه کند. مسأله ۶۶۰. دیدن عکس زنان بدون حجاب غیر مسلمان، بدون قصد لذت در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد. و بنابر احتیاط جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند به هیچ وجه نگاه نکند. مسأله ۶۶۱. عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکال ندارد، اما اگر این کار برای آن باشد که عکسها را در اختیار نامحرم قرار دهد، کار او حرام است. مسأله ۶۶۲. نگاه کردن به فیلمهای مبتذل، که موجب فساد خود انسان یا خانواده اش می شود، جایز نیست و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد. مسأله ۶۶۳. نگاه به قصد لذت به شناگران ولو غیر مسلمان حرام می باشد. مسأله ۶۶۴. نگاه به فیلمهای خارجی با بدنهای عریان در صورتی صفحه ۱۶۹ که خوف افتادن به حرام داشته باشد جایز نیست و نیز نگاه کردن به جاهایی که معمولاً پوشانده می شود مطلقاً حرام است چه قصد لذت داشته باشد یا نداشته باشد.

اختلاط زن و مرد

مسأله ۶۶۵. احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی تواند وارد شود، نمانند اگر در آنجا نماز بخوانند نماز آنها اشکال دارد. مسأله ۶۶۶. در کلاسهایی که هم اساتید مرد و هم اساتید زن، تدریس می کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس - در صورتی که نگاه هوس آلود نباشد - در مورد وجه و کفین اشکالی ندارد.

خوردن شیر زن

مسأله ۶۶۷. خوردن شیر زن حرام نیست و اگر مردی شیر زنش را بخورد اشکالی در محرمیت شوهر با بستگان زن و بر عکس ایجاد نمی شود.

مرتد شدن

مسأله ۶۶۸. مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر یا معاد شود، یا حکم ضروری دین یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام می دانند مثل واجب بودن نماز و روزه انکار کنند، در صورتی که منکر شدن آن حکم به انکار خدا یا پیغمبر برگردد، مرتد است. مسأله ۶۶۹. اگر زن پیش از آن که شوهرش با او نزدیکی کند، به طوری که در مسأله پیش گفته شد مرتد شود عقد او باطل می گردد و عده هم ندارد. و همچنین است اگر بعد از نزدیکی مرتد شود ولی یائسه باشد یعنی اگر سیده است شصت سال و اگر سیده نیست پنجاه سال او تمام شده باشد اما اگر یائسه نباشد، باید به دستوری که در احکام طلاق گفته خواهد شد عده نگهدارد پس اگر در بین عده مسلمان شود عقد باقی و اگر تا آخر عده مرتد بماند، عقد باطل است.

احکام ارث

مسأله ۶۷۰. کسانی که به واسطه خویشی ارث می برند، سه دسته هستند: دسته اول: پدر و مادر و اولاد میت است و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پائین روند هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است، ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست، دسته دوم ارث

نمی برند. صفحه ۱۷۱ مسأله ۶۷۱. دسته دوم: جد و جدّه، خواه پدری باشد یا مادری و هر چه بالا رود و خواهر و برادر و با نبودن برادر و خواهر، اولاد ایشان هر کدام به میت نزدیکتر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست، دسته سوم ارث نمی برند. دسته سوم: عمو و عمّه و دائی و خاله هر چه بالا-رود و اولاد آنان هر چه پائین روند و تا یک نفر از عموها و عمه ها و دائی ها و خاله های میت زنده اند، اولاد آنان ارث نمی برند ولی اگر میت عمومی پدری و پسر عمومی پدر و مادری داشته باشد و غیر از اینها وارثی نداشته باشد، ارث به پسر عمومی پدر و مادری می رسد و عمومی پدری ارث نمی برد. مسأله ۶۷۲. اگر عمو و عمه و دائی و خاله خود میت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند، عمو و عمه و دائی و خاله پدر و مادر میت ارث می برند و اگر اینها نباشند، اولادشان ارث می برند و اگر اینها هم نباشند، عمو و عمه و دائی و خاله جد و جدّه میت و اگر اینها نباشند، اولادشان ارث می برند. مسأله ۶۷۳. زن و شوهر به تفصیلی که در زیر گفته می شود، از یکدیگر ارث می برند. و تفصیل احکام ارث دسته هایی که در بالا ذکر شد در رساله عملیه موجود است. صفحه ۱۷۲ ارث زن و شوهر مسأله ۶۷۴. اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف همه مال را شوهر او و بقیه را ورثه دیگر می برند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد، یک چهارم همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می برند. مسأله ۶۷۵. اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، یک چهارم مال او را زن دائمی بقیه را ورثه دیگر می برند. و اگر از آن زن و زن دیگری اولاد داشته باشد، یک هشتم اموال منقول را زن، و بقیه را ورثه دیگر می برند. و اما از زمین مسکونی و قیمت آن ارث نمی برد ولی از قیمت اعیانی آن مثل ساختمان و درخت ارث می برد، همچنان که از زمین باغ و زراعت ارث می برد. مسأله ۶۷۶. اگر زن بخواهد در چیزی که از آن ارث نمی برد (مانند خانه مسکونی یا اعیانی که از عین آن ارث نمی برد و از قیمت آن ارث می برد) تصرف کند، باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. و نیز ورثه تا سهم زن را نداده اند نباید در چیزهایی که زن از عین و یا قیمت آنها ارث می برد، بدون اجازه او تصرف کنند. و چنانچه پیش از دادن سهم زن، اینها را بفروشند، در صورتی که زن معامله را اجازه دهد، صحیح و گرنه نسبت به سهم او باطل است. مسأله ۶۷۷. اگر بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت نمایند، صفحه ۱۷۳ باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجازه در زمین بمانند، تا از بین بروند، چقدر ارزش دارند و سهم زن را از آن قیمت بدهند. مسأله ۶۷۸. مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن به کار رفته، در حکم ساختمان است. مسأله ۶۷۹. اگر میت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد، یک چهارم مال و اگر اولاد داشته باشد یک هشتم مال به شرحی که گفته شد، به طور مساوی بین زن های عقدی او قسمت می شود. اگرچه شوهر با هیچ یک از آنان یا بعضی آنان نزدیکی نکرده باشد زولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی را عقد کرده و با او نزدیکی نکرده است، آن زن از او ارث نمی برد و حق مهر هم ندارد. مسأله ۶۸۰. اگر زن در حال بیماری، شوهر کند و به همان بیماری بمیرد، شوهرش اگرچه با او نزدیکی نکرده باشد، از او ارث می برد. مسأله ۶۸۱. اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی بدهند و در بین عده بمیرد، شوهر از او ارث می برد. و نیز اگر شوهر در بین عده زن بمیرد، زن از او ارث می برد. ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق باین یکی از آنان بمیرد، دیگری از او ارث نمی برد. مسأله ۶۸۲. اگر شوهر در حال مرض، عیالش را طلاق دهد و پیش از گذشتن دوازده مال هلالی بمیرد، زن با سه شرط از او ارث می برد: اول آن که در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد. صفحه ۱۷۴ دوم طلاق به تقاضا و یا رضایت زن نباشد. سوم شوهر در مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده، به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی برد. مسأله ۶۸۳. لباسی که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته اگرچه زن آن را پوشیده باشد، بعد از مردن شوهر، جزء مال شوهر است مگر این که به او تملیک کرده باشد. مسائل متفرقه ارث مسأله ۶۸۴. اگر پسر بزرگ میت بیش از یکی باشد. مثلاً از دو زن او در یک وقت دو پسر به دنیا آمده باشد، باید لباس و قرآن و انگشتر و شمشیر میت را به طور مساوی بین خودشان قسمت کنند. مسأله ۶۸۵. هر گاه بخواهند ارث را تقسیم کنند، در صورتی که میت بچه ای داشته باشد که در شکم مادر است، و در طبقه او

وارث دیگری هم مانند اولاد و پدر و مادر باشد. برای بچه ای که در شکم است، - که اگر زنده به دنیا بیاید، ارث می برد - سهم دو پسر را کنار می گذارند. ولی اگر احتمال بدهند بیشتر است، مثلاً احتمال بدهند که زن به سه بچه حامله باشد، سهم سه پسر را کنار می گذارند. و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمده، زیادای را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند.

احکام نذر و عهد

مسئله ۶۸۶. نذر آن است که انسان برای خدا انجام چیزی یا ترک آن را بر خود لازم قرار دهد. مسئله ۶۸۷. در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست آن را به عربی بخوانند پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که مبلغی به فقیر بدهم نذر او صحیح است. مسئله ۶۸۸. نذر زن در صورتی که با حقوق شوهر منافعی باشد صحیح نیست و اگر در چنین مورد با اذن او نذر کرد، شوهر نمی تواند از انجام آن ممانعت کند. مسئله ۶۸۹. اگر پدر یا مادر نذر کند که دختر خود را به سید شوهر دهد بعد از آن که دختر به تکلیف رسید لازم است او را راضی نمایند که به سید شوهر کند. و اگر راضی نشد، تکلیفی برای آنان نیست. مسئله ۶۹۰. بر فرزند واجب نیست در نذر و عهد از پدرش اجازه بگیرد. و هرگاه فرزند نذری کند بدون این که به پدر خبر دهد، باید به آن نذر عمل کند. مسئله ۶۹۱. اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی یک بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد. صفحه ۱۷۶ مسئله ۶۹۲. در عهد هم مثل نذر باید صیغه خوانده شود، و نیز کاری را که عهد می کند انجام دهد، و باید ترک آن بهتر از انجام آن نباشد. مسئله ۶۹۳. اگر به عهد خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی شصت فقیر را سیر کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا یک بنده آزاد کند.

احکام قسم خوردن

مسئله ۶۹۴. اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمداً مخالفت کند، باید کفاره بدهد، یعنی یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را سیر کند، یا آنانرا ببوشاند و اگر اینها را نتواند باید سه روز روزه بگیرد. مسئله ۶۹۵. اگر فرزند بدون اجازه پدر، و زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، احتیاط آن است که بر قسم خود پای بند باشند، مگر این که پس از قسم، از آن نهی کنند. مسئله ۶۹۶. کسی که قسم می خورد، اگر حرف او راست باشد قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد حرام و از گناهان بزرگ می باشد، ولی اگر برای اینکه خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می شود و این جور قسم خوردن غیر از قسمی است که در مسائل پیش گفته شد.

هبه

مسئله ۶۹۷. هبه ای که مرد به همسرش می دهد در صورتی که اصل هبه باقی است قابل بازگشت است، مگر این که زوجه از خویشاوندان نسبی باشد.

ربا

مسئله ۶۹۸. در چند مورد ربا گرفتن حرام نیست: ۱. ربا گرفتن مسلمان از کافر که در پناه اسلام نیستند. ۲. ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر. ۳. ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.

فال

مسأله ۶۹۹. فال گیری، کف بینی و طالع بینی و دیگر انواع کهانت شرعا مجاز نیست و پولی که بابت آن داده می شود حرام است و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزیند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل:

www.eslamshop.com فروشگاه اینترنتی: تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲
 (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

